

بزرگ امریکا و بالطبع کارتل بزرگ نفت است توفیق حاصل کند توافق نظری بیشتری بین امریکا و انگلیس طبق دلخواه انگلیسها فراهم خواهد گشت. این بود که از طرفی دستگاه تبلیغات انگلستان سعی بود که دکتر مصدق را سیاستمدار کینه‌توز و غیر عملی و خودخواه و منفی معرفی کند و از طرف دیگر کار را بتعویق اندازد تا حکومت جدید امریکا زمام امور را بدست گیرد.

بخش دوازدهم - پیشنهادهای مجدد دولتین امریکا و انگلیس

از موقعی که رابطه سیاسی بین دولت ایران و دولت انگلستان قطع گردید تاهنگامیکه ایزنهاور بر ریاست جمهوری امریکا انتخاب شد اقدام مؤثر دیگری برای حل قضیه نفت ایران صورت نگرفت. در خلال این مدت بعضی از شرکت‌های مستقل نفت امریکا بفکر این بودند که مقداری نفت به بهای ارزان، که ایران حاضر شده بود بفروشد، خریداری کرده و با امریکا حمل نمایند. در تاریخ ۱۶ آذر وزارت خارجه امریکا بیانیه‌ای بشرح زیر صادر کرد :-

« پرسش‌هایی در مورد روش فعلی دولت امریکا نسبت بخرید نفت ایران از طرف اتباع یا شرکتهای امریکائی شده است و مقتضی است که هم‌اکنون نظرو وزارت خارجه درین باره روشن گردد. قبل از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران سالیانه بین ۲۰ تا ۳۲ میلیون تن نفت یا تقریباً ۲۴۰ میلیون بشکه نفت خام و مواد نفتی تصفیه شده درین کشور تهیه و عرضه میشد. عواید کلی ایران از منحل حق الامتیاز و مالیات و دستمزد بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار در سال میگردد و بنا برین واضح است که صنعت نفت ایران متضمن یک فعالیت وسیع تجاری بود که در آن بزرگترین دسته کشتیهای نفتکش شرکت داشتند و نیز یک سازمان بزرگ توزیع و فروشی در اختیار داشت. از روزی که جریان نفت قطع و پالایشگاه آبادان تعطیل گردید امریکا از هر گونه کوششی برای کمک به حل اختلاف بین طرفین ذینفع دریغ نداشته و آرزوی امریکا این بوده که ایران هر چه زودتر از عوائد نفت استفاده نماید و از لحاظ تأمین منافع دنیای آزاد نیز امریکا آرزو داشته است که از تعطیل یک صنعت بزرگ جلوگیری نماید. از زمان قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران شرکت نفت انگلیس و ایران برای تأمین مواد نفتی خود بمسابع دیگر روی آورده است. از طرف دیگر نظر به بن بست قضیه نفت تسهیلات و وسایل شرکت نفت نیز برای حمل و فروش نفت ایران دیگر در اختیار ایران نبوده است. بنظر وزارت خارجه امریکا مسئله حمل مقدار جزئی نفت خام یا مواد نفتی تصفیه شده ایران در مقابل لزوم پیدا کردن راهی که منجر به حل قضیه نفت و صدور مجدد مقادیر زیادی نفت ایران بخارج گردد چندان حائز اهمیت نبوده و بهین جهت ما معتقدیم که صدور و توزیع و فروش مقدار جزئی مواد نفت ایران بدون استفاده از کشتیهای نفتکش و وسایل

بخش قضیه نفت را حل نخواهد کرد و منافع قابل ملاحظه‌ای نیز از این صنعت نفت عظیم عاید ایران نخواهد شد. درحقیقت چنین بنظر میرسد که این گونه صدور نفت ایران که اشکالات پیچیده قانونی را دربر خواهد داشت بحل مسئله نفت لطمه وارد خواهد آورد. نظر باوضاع واحوال کنونی دولت امریکا معتقد است که اتخاذ تصمیم مبنی بر اینکه آیا باید نفت ایران را خرید یا نه موکول بنظر اشخاص و شرکتهای ذینفع خواهد بود و خود آنها باید درین باره قضاوت نمایند و اشکالات و مخاطرات قانونی چنین عملی را هم اشخاص و شرکتهای مذکور باید در نظر گرفته و بحل و فصل آن بپردازند. و اما وزارت خارجه امریکا همچنان مساعی لازم را برای حل مرافعه نفت ایران مبذول خواهد داشت تا اصول اساسی بین المللی در مورد پرداخت غرامت کافی و مؤثر مجری و ایران نیز از تجدید فعالیت دامنه دار صنعت نفت خود بهره مند شود.

روز بعد بیانیه فوق در مجلس مبعوثان انگلستان مطرح مذاکره قرار گرفت و نمایندگان حزب کارگر از وزیر خارجه انگلیس سؤال کردند که آیا مفهوم این بیانیه این است که فتوری در حفظ حقوق و منافع شرکت نفت انگلیس و ایران روی داده و آیا شرکت های نفت امریکا میخواهند جانشین شرکت مزبور شوند؟ وزیر خارجه در جواب اظهار داشت که بیانیه وزارت خارجه امریکا حاکی ازین است که دولت مزبور طالب حل کلی قضیه نفت ایران می باشد و تأکید می کند که فروش مقادیر مختصری نفت از طرف ایران کمکی به تسویه امر نخواهد کرد. بیانیه مزبور توجه عموم را به مخاطراتی که متوجه خریداران نفت ایران میشود جلب کرده است. در مورد مخاطرات مزبور لازم است گفته شود که دولت انگلستان طبق اعلامیه های مختلفی که داده است محصول نفت ایران را متعلق بشرکت نفت انگلیس و ایران دانسته و هر گونه حقی را برای خود و شرکت مزبور محفوظ میدارد که تا موقع حل نهائی قضیه نفت ایران بر علیه خریداران نفت ایران در محاکم مربوطه اقامه دعوا نماید.

همانروز که بیانیه فوق مورد بحث مجلس مبعوثان بود جراید انگلستان تصریح می کردند که دولت امریکا نباید شرکتهای امریکائی را تشویق بخرید نفت ایران نماید. برای نمونه از مندرجات جرائد مذکور شرح زیر از روزنامه «برمینگهام پست» مورخه ۱۷ آذر نقل میگردد:

« وقت آن رسیده است که انگلستان با نهایت صراحت و شدت عقیده خود را اظهار دارد. ما باین کار نداریم که ترس از کومونیزم چه تأثیری در سیاست امریکا دارد ولی لازم میدانیم گفته شود که تسلیم بایران نتیجه اش این خواهد بود که سایر کشور های خاور میانه هم از دکترو مصدق پیروی کرده و مخاطراتی برای سرمایه های هنگفت انگلیس و امریکا فراهم سازند. امریکا باید بداند که تولید اشکال برای رفقایش منتهی بایجاد گرفتاری های گوناگون برای خودش نیز خواهد بود و بمصلحت آن کشور است اگر درباره شخصیت دکتر مصدق مطالعه و تجدید نظری نموده و بسنجد که آیا عقد قراردادی با این شخص ارزش دارد یا نه. »

روزنامه دلیلی تلگراف هم سر مقاله ای روز ۱۸ آذر چاپ کرده و چنین نوشته بود :
« هیچگونه علائم و شواهدی در دست نیست که بتوان گفت شرکت های بزرگ نفت
امریکا در صدد معامله با ایران باشند ولی اگر چند شرکت کوچک امریکائی وارد این
معامله شده و نفت ایران را خریداری کنند و بالتیجه شرکت انگلیس و ایران
بتمقیب قانونی آنها اقدام کند بروابط حسنه بین امریکا و انگلیس آسیب فراوانی
خواهد رسید و تنها کسی که از آن منتفع خواهد شد روسیه شوروی خواهد بود . نظر
باینکه هدف اصلی امریکا این است که ایران کومونیست نشود پس بهتر است که دولت
امریکا توجه بیشتری به تعبیر بیانیه خود نماید . وظیفه دولت ما درین امر واضح و
آشکار میباشد و آن عبارت است از حفظ منافع يك شرکت انگلیسی و درین راه ما
بایداری خواهیم کرد . »

روز هیجدهم آذر سخنگوی دولت در تهران راجع به بیانیه وزارت خارجه امریکا
چنین گفت :

« گرچه مشکلاتی که در راه فروش نفت ایران ایجاد شد ضمن اینکه صنایع دول
مغرب را از نظر احتیاج مبرم باین ماده حیاتی و مشتقات آن در مضیقه گذاشته و از طرف
دیگر فقدان عواید آن برای دولت ایجاد مشکلات مالی نموده است معینا چون وضع حاضر
در ازاء عدم مداخله خارجیان در امور داخلی ایران حاصل گردید بهیچوجه مایه تأثر نیست و
ملت ما این تضییقات را با گشاده رویی تحمل می کند و ضمناً از هیچگونه تلاش
برای یافتن راه حلی که منطبق با قوانین موضوعه باشد کوتاهی نخواهد نمود .
صدور ۳۲ میلیون تن نفت از کشور و پرداخت وجه ناقابل بعنوان حق الامتیاز
و دخالت و اعمال نفوذ شدید در صرف این مبلغ بنحوی که حتی المقدور ثمره و نفعی عاید
مردم و مملکت نگردد از نظر ملت ایران حقیقت مسلمی است که هیچ فرد ایرانی دیگر تن
بتجدید آن نخواهد داد . دولت ایران با توجه بوضع و موقعیت خاص دولت کشورهای متحده
امریکا بهیچوجه از این جریان گله مند نیست که چرا امریکا متحد خود را از ادامه روش
چابرا نه علیه ایران باز نداشته بلکه انتظار معقول و موجه ما این است که دولت مزبور
اگر ما را در مشکلاتیکه روبرو هستیم یاری نکرده و درین مورد از حق و عدالت طرفداری
نمیکند لااقل با کمک مستقیم مادی خود روشی اتخاذ نکنند که عملاً قرینه خاص برای
تشجیع و تشویق زورمندان باشد تا در نتیجه صلح و امنیت بین المللی که منظور نظر کلیه
ملل آزاد بخواه جهان است مختل گردد . در آن قسمت از اعلامیه اخبر وزارت خارجه امریکا
که نسبت به بیم زبان حقوق شرکت های صادر کننده نفت ایران اشاره ای شده محتاج به
توضیح نیست که از نظر حقوق بین المللی و سوابقی که در مورد ملی شدن صنایع و
بخصوص رویه قضائی که در مورد ملی شدن صنعت نفت موجود است بهیچوجه بیم زبان حقوقی
برای هیچ فرد و شرکت خریدار نفت ایران در میان نخواهد بود زیرا محصولات نفتی
کشور ایران مالک دیگری جز ملت ایران ندارد چنانکه جریان شورای امنیت و رأی
دیوان دادگستری لاهه جهانیان را هم متوجه حقانیت کامل ملت ایران و اثبات این حقیقت
نموده است .

برای جبران خسارت عادلانه و تصفیه محاسبه طرفین نیز گذشته از اینکه در قانون ملی شدن صنعت نفت این مورد تصریح گردیده دولت ایران نیز همه وقت آمادگی خود را برای حل منصفانه موضوع و پرداخت غرامت پس از رسیدگی بدعاوی متقابل اعلام داشته است.»

در آذرماه ملاقاتی بین وزیران خارجه آمریکا و انگلیس در پاریس صورت گرفت و وزیر خارجه آمریکا پیشنهادی بشرح زیر بوزیر خارجه انگلیس ارائه داد: (الف) یکمده شرکتی بزرگ نفت آمریکا با توافق بانک بین المللی مبلغی را بعنوان غرامت شرکت نفت انگلیس و ایران بپردازند تا کلیه دعاوی شرکت مزبور تسویه گردد. (ب) سپس شرکتی بزرگ نفت ایران و آمریکا تشکیل دهند تا از معادن نفت ایران و پالایشگاه آبادان بهره برداری کنند. (ج) فراورده های نفتی ایران را شرکتی نفت آمریکا و شرکت نفت انگلیس و ایران طبق قراردادی که مدت آن طولانی باشد خریداری خواهند کرد. (د) و مبلغی که بعنوان غرامت شرکت نفت انگلیس و ایران پرداخته می شود در مدت ده سال از درآمد ایران مستهلك گردد. پیشنهاد مزبور از طرف وزیر خارجه انگلستان رد شد زیرا او اصرار داشت که قضیه غرامت بدیوان داوری ارجاع گردد.

هندرسن سفیر آمریکا در تهران در اواخر آبان بعنوان مرخصی مسافرتی با آمریکا نمود و در دیماه به تهران مراجعت کرد. پس از بازگشت چندین ملاقات بی دریبی بانخست وزیر کرد و شهرت یافت که پیشنهاد تازه ای با خود به همراه آورده است و میخواهد زمینه را قبلاً حاضر کند تا بعد پیشنهاد را تسلیم دولت نماید. مفاد پیشنهاد جدید او این بود که اگر دولت ایران قضیه غرامت را بدیوان داوری رجوع کند آمریکا ترتیبی فراهم خواهد کرد که نفت ایران بفروش رسد و مساعدت های مالی هم بایران خواهد کرد. دکتر مصدق در جواب به هندرسن گفته بود که ارجاع قضیه غرامت بدیوان داوری مضایقه ندارد ولی باید معلوم کرد که حدود غرامت چیست تا تصمیم مقتضی گرفته شود. در تاریخ ۱۵ دیماه روزنامه کیهان خبر زیر را منتشر کرد: -

امروز يك منبع مطلع وابسته بسفارت آمریکا بخبرنگار ما گفت که در سومین ملاقات هندرسن با دکتر مصدق که عصر روز جمعه صورت گرفت آقای دکتر مصدق موضوع نفت را بیکسو گذاشتند و دامنه سخن را بوضع ایران کشاندند. آقای نخست وزیر بسفیر کبیر آمریکا گفته اند:

« مگر دولت آمریکا وضع ایران و فقر و فلاکت مردم آنرا نمی بیند که این طور رفتار میکند. آمریکا بکشور هایی که در معرض خطر کومونیسم هستند همه نوع کمک تا بحال کرده است ولی با حساسیت موقعیت ایران معلوم نیست چرا دولت ایران تمام وعده هایی را که برای کمک و جبران خسارات ایران داده نادیده گرفته است. آمریکا باید باین حقیقت ایمان بیاورد که اگر باین رویه باری بهر جهت ادامه دهد تسلط کومونیسم بر ایران حتمی است. »

در تاریخ ۱۹ دیماه دکتر مصدق نامه‌ای به ژنرال ایزنهاور که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا توفیق یافته بود نوشته و پس از تبریک اظهارداشت: «امیدوارم حکومت جدیدی که بریاست آنحضرت تشکیل میشود در آغاز کار با اهمیت مبارزه حیاتی ملت ایران کاملاً پی ببرد و برای رفع موانعی که ملت ایران را از نیل بآمال خود بازداشته و نگذاشته است در پرتو استقلال سیاسی و اقتصادی از زندگانی بهتری بهره‌مند شود یاری و همراهی کنند.» روز بعد ایزنهاور بنامه مزبور جواب داده و پس از تشکر از تبریکات دوستانه نخست وزیر نوشته بود: «از اینکه شمه‌ای از نظرات خود را درباره وضع کشور ایران مرقوم داشته‌اید نهایت مسرت حاصل است و بسهم خود آنها را با دقت و حسن نظر مورد مطالعه قرار خواهم داد.»

روز ۲۰ دیماه دادگاه عالی عدن در رسیدگی بشکایت شرکت نفت انگلیس و ایران راجع به محموله نفت کشتی روزماری بر علیه ایران رأی داد. روز ۲۹ دیماه نفتکش ایتالیائی میریلا برای حمل نفت وارد آبادان گردید و روز ۲۵ بهمن که به بندر ونیز در ایتالیا وارد گردید دچار شکایت شرکت نفت انگلیس و ایران در محاکم ایتالیا گردید ولی محکمه شکایت شرکت مزبور را وارد ندانست.

روز ۲۹ اسفند ۱۳۳۱ دکتر مصدق سخنرانی مفصلی که حاوی تاریخچه اقدامات او راجع بنفت بود از رادیو ایراد کرد و در قسمت آخر آن پرده از روی مذاکرات خود با سفیر آمریکا برداشت و چنین گفت:-

« پس از آن تاریخ دولت آمریکا بوسیله سفیر کبیر خود جناب آقای هندرسن علاقه خود را با ادامه مذاکرات بمنظور پیدا کردن راه حلی برای رفع اختلافات مکرر ابراز کرده و دولت ایران نیز امیدوار بود که ازین طریق راه حل منصفانه‌ای که برای طرفین قابل قبول باشد پیدا شود. مذاکرات جناب سفیر کبیر و این جانب بیشتر در باره دو موضوع بود: اول قطع و فصل دعاوی دولت ایران و شرکت سابق نفت، دوم فروش نفت بخارج بمقداری که دستگاه نفت آبادان را کاملاً بکارندازد. اینک درباره هریک ازین دو موضوع توضیحاتی داده می‌شود. (۱) در موضوع دعاوی شرکت سابق راجع بغرامت و دعاوی متقابل دولت ایران. بطوری که هموطنان عزیز اطلاع دارند دولت ایران ضمن جوابی که در دوم مهرماه ۱۳۳۱ به پیام مشترک ترومن و چرچیل داد قضاوت دی-ووان بین‌المللی دادگستری را با شرایطی قبول کرده بود. . . . دولت ایران خواهان قطع و فصل سریع دعاوی بود لذا قضاوت دی-ووان بین‌المللی را قبول نمود و چون در هر مرافعه‌ای موضوع دعوا باید معلوم باشد دولت ایران تقاضا نمود که موضوع دعوا را معین کنند تا با روشن شدن مابه‌الاجتلاف دولتین بتوانند دعاوی خود را بدیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه نمایند. دولت انگلیس در پیشنهاد شهریورماه ۱۳۳۱ مبنای دعاوی خود را بطریق ذیل معین کرده بود: « غرامتی که بابت ملی شدن مؤسسات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در ایران باید پرداخته شود با رعایت وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بود و با توجه بکلیه دعاوی و دعاوی متقابله

طرفین . « دولت ایران در جواب این پیشنهاد اظهار داشت که مفهوم عبارات « وضع حقوق طرفین بلافاصله قبل از ملی شدن صنعت نفت » این است که قرارداد باطل ۱۹۳۳ را که هیچگاه مورد قبول ملت ایران نبوده و نیست قانونی کنند و این امر برای دولت ایران بهیچوجه قابل قبول نیست . این اشکال و معلوم نبودن موضوع غرامت که برچه اساس و مبنائست باعث شد که پیشنهادات و مذاکرات شهر یور و مهر ماه به نتیجه نرسیده و مذاکرات مستقیم قطع گردید . در مذاکرات اخیری که جناب آقای هندرسن سفیر کبیر امریکا با اینجانب بعمل آورد دولت انگلستان پیشنهاد نموده بود که بجای جمله (وضع حقوقی طرفین بلافاصله قبل از ملی شدن نفت) عبارت (غرامت منصفانه برای از دست رفتن کسب و کار شرکت گذاشته شود . قبول این مبنای مبهم و نامعین برای تعیین غرامت موانع عدیده ای در برداشت هموطنان عزیز تصدیق میفرمائید که اگر اساس غرامت را از دست رفتن چنین (کسب و کاری) قبول کنیم باید تمام عوائد نفت خود را یکسره بعنوان غرامت تسلیم شرکت سابق نمایم خلاصه بعلم مشروح بالا از دست رفتن کسب و کار بعنوان اساس غرامت از طرف دولت ایران نمیتوانست پذیرفته شود . دولت ایران در مقابل پیشنهاد کرد که اساس غرامت را ارزش اموال و تأسیسات شرکت سابق در ایران قرار دهند زیرا این تنها غرامتی بود که طبق اصول مقرره جهانی دولت ایران نمیتوانست قبول کند . (۲) مسئله فروش نفت - درباره مذاکرات مربوط بفروش نفت کافی است بطور اختصار عرض شود که مذاکرات مزبور مبتنی برین بود که پس از امضاء و ورود بمرحله اجرای قرارداد بین دولت ایران و دولت انگلیس در موضوع غرامت یک مؤسسه امریکائی مقداری نفت با تخفیف کلی بارزش ۱۳۳ میلیون دلار از شرکت ملی نفت ایران خریداری نماید و مبلغ پنجاه میلیون دلار پس از امضاء قرارداد فوراً بشکرت ملی نفت ایران بعنوان مساعده پرداخت کند چون این معاملات موکول بامضاء و اجراء قرارداد غرامت شده بود لذا بدون توافق در امر غرامت نمیتوانست منجر ب نتیجه شود اینک که جریان مذاکرات نفت تا اندازه ای بسم ملت ایران رسید نظر دولت را در باب نفت بصراحت عرض می کنم: (۱) چنانچه شرکت سابق برای تعیین میزان غرامت بامنا و اساسی موافقت کند که قابل قبول دولت ایران باشد و یا حد اکثر مدعا به خود را که در نظر دولت ایران منصفانه باشد اظهار کند دولت ایران حاضر خواهد بود دعوای غرامت شرکت و دعاوی دولت ایران بقضایوت دیوان بین المللی دادگستری ارجاع شود. (۲) دولت ایران حاضر است هر مبلغی که بموجب حکم دیوان بین المللی دادگستری از باب غرامت شرکت سابق تعیین شود از محل بیست و پنج درصد عواید خالص و یا با تحویل نفت خام یا مواد تصفیه شده بقیه عادلانه بین المللی در کمترین مدت پرداخت نماید . (۳) دولت ایران حاضر بوده و هست بجای ایشکه بدیوان بین المللی دادگستری مراجعه شود بانماینده تام الاختیار شرکت سابق و دولت انگلیس وارد مذاکره شده و دعاوی طرفین بطریق دوستانه حل و تصفیه شود . «

روز اول فروردین ۱۳۳۲ سخنگوی وزارت خارجه انگلیس در لندن راجع

بسخنرانی دکتر مصدق چنین گفت :-

« پیشنهادی را که دکتر مصدق در سخنرانی خود ذکر کرده پس از توافق بین

دولتین امریکا و انگلستان در تاریخ اول اسفند ۱۳۳۱ توسط سفیر امریکا با تسلیم شده بود. پیشنهاد مزبور عادلانه بود ولی دکتر مصدق در سخنرانی خود تعبیرات ناصوابی از آن کرده که مخالف با متن عبارت و روح پیشنهاد مذکور است. پیشنهاد با این نظر تنظیم شده بود که دکتر مصدق حاضر است قضیه غرامت را بوسیله داوری روی مبنای قانون ملی کردن صنایع انگلستان که مورد پذیرش شرکت نفت باشد حل نماید ولی وقتی که قرار شد مبنای عمل روی کاغذ بیاید دکتر مصدق اصرار بتدوین عبارتی داشت که نه محکمه بین المللی و نه هیئت داوری دیگری قادر باین بود که اصول قانون ملی شدن صنایع انگلستان را در مورد آن عمل نماید. دکتر مصدق در سخنرانی خود گفته است که طبق پیشنهاد ما تمام درآمد نفت بمصرف پرداخت غرامت خواهد رسید در صورتیکه چنین نیست. در تاریخ اول اسفند دوطرح قرارداد غرامت با تسلیم شد که یکی از آنها را انتخاب نماید و در هر دو طرح ذکر شده بود که ۲۵ درصد از کل درآمد ناویژه حاصل از فروش نفتی که از ایران صادر میشود بلیره برای غرامت قبل از رأی داوری پرداخته شود. و در طرح دوم ذکر شده بود که پس از صدور رأی بقیه غرامتی که باید ایران بلیره بپردازد از ۲۵ درصد از کل فروش تجاوز نکند مگر آنکه در یکسال چنین پرداختی کمتر از پنج درصد از کل مبلغ غرامت باشد و نیز در طرح دوم ذکر شده بود که اگر ایران فروش نقدی نداشته باشد غرامت را می تواند با تحویل نفت خام تأدیه نماید. علاوه برین ذکر این نکته که پنج درصد کل غرامت در هر سال پرداخته خواهد شد چنین معنی میدهد که غرامت بیست ساله پرداخت خواهد شد.

پس از سخنرانی دکتر مصدق که در فوق ذکر شد جراید امریکا و انگلیس متفقاً اظهار داشتند که تجدید مذاکره با دکتر مصدق عمل بیپوده ای است و باید مذاکرات با او را قطع کرد.

بخش سیزدهم - وخیم شدن وضع اقتصادی

بطور مقدمه این بخش ارقامی در زیر نقل میشود که جالب توجه است. سال ۱۳۲۹ آخرین سال قبل از ملی شدن نفت بوده و حکومت دکتر مصدق هم در مرداد ۱۳۳۲ ساقط گردید. طبق آماری که از طرف بانک ملی منتشر میشود شاخص هزینه زندگی در طی چند سال اخیر بشرح زیر بوده است:

شاخص هزینه	سال
۷۸۴	۱۳۲۹
۸۴۹	۱۳۳۰
۹۰۹	۱۳۳۱
۹۹۲	۱۳۳۲
۱۱۵۱	۱۳۳۳

و طبق آمار بازرگانی که از طرف اداره گمرک منتشر میگردد وضع بازرگانی کشور هم در سالهای اخیر بقرار زیر بوده است :

سال	واردات به میلیون ریال	صادرات به میلیون ریال
۱۳۲۹	۶۲۴۳	۳۴۹۴
۱۳۳۰	۷۰۱۱	۴۳۱۹
۱۳۳۱	۵۰۳۱	۵۷۵۰
۱۳۳۲	۵۳۲۴	۸۳۱۸

نتیجه ای که از ارقام فوق بدست میآید این است که افزایش هزینه زندگی مرتب رو بترقی بوده و درسال بعد از سقوط حکومت دکترا مصدق این افزایش بیشتر از پیش بوده است. در قسمت بازرگانی هم سال قبل از ملی شدن نفت کسر بازرگانی کشور زیاد بوده و بعد بتدریج از واردات کاسته شده و بر صادرات افزوده گشته تا آنکه در سال ۱۳۳۲ صادرات مبلغ کلی بر واردات فزونی داشته است. این ارقام را بعضی دلیل بر سلامتی وضع اقتصادی کشور در سالهای ۳۲-۱۳۳۰ گفته اند ولی حقیقت مطلب غیر ازین است.

بطور کلی هنگامیکه وضع اقتصادی کشورهایی مانند ایران رو بوخامت میرود اثر آن در زندگانی توده مردم خیلی دیرتر از سایر کشورها محسوس است زیرا توده مردم قسمت عمده احتیاجاتش محدود بقرآورده های داخلی میباشد و بغیر از چند قلم کالای خارجی مانند قند و چای و قماش و دارو حاجت مبرمی بواردات دیگر از خارج ندارد. در چنین وضعی اگر بتوان کاری کرد که همه مردم کار داشته باشند و بهای آن چند قلم کالای واجبی را هم که باید از خارج وارد کرد ثابت نگاهداشت و از ترقی بهای کلیه کالا های دیگری هم که از خارج وارد شده و میشود بوسیله جیره بندی و نظارت دقیق جلوگیری نمود برای مدت مدیدی میتوان چنین کشوری را روی پای خود نگاهداشت. البته سطح زندگی مردم پایین خواهد رفت و محرومیتها زیاد خواهد شد و امور عمران و آبادی تا حد زیادی متوقف خواهد گشت ولی در صورت لزوم و مشروط بر اینکه شرائط فوق کاملاً رعایت گردد میتوان اقتصاد محدودی برای کشور تعبیه کرد و آنرا پایدار نمود. آنهایی که صحبت از اقتصاد بدون نفت میکردند شاید قصدشان همین زندگانی محدود اقتصادی بود ولی فراموش می کردند که اولاً شرایط فوق در ایران موجود نبود یعنی کنترل و نظارت دقیق میسر نمیشد و ثانیاً سطح زندگی مردم خیلی پایین میرفت که مآلاً تولید عدم رضایت شدید کرده و زمینه را برای اعتراض و انقلاب فراهم میساخت.

اقتصاد روسیه شوروی در سالهای اول بعد از انقلاب روی مبنای اقتصاد محدود قرار گرفته بود و کنترل و نظارت و جیره بندی و سهمیه کالاها بی نهایت شدید و بازرگانی خارجی در انحصار دولت و اجبار به افزایش تولید هم باشد هر چه تمامتر حکمفرما بود. سطح زندگی مردم پایین رفت و طرز حکومت طوری بود که ابراز عدم رضایت

را اجازه نمیداد و سرمایه‌های شخصی هم تمامش ملی شده و در اختیار دولت بود ؛ بتدریج در طی چندین سال محرومیت و سختی تولید بر مصرف فزونی یافت و سرمایه کافی برای عمران و آبادی موجود گشت و کم کم اقتصاد محدود جای خود را بیک اقتصاد وسیع تولیدی داد که نتیجه آن توانائی تحمل مصائب جنگ دوم جهانی و بعد هم ترقی وسیع و دامنه‌دار در صنعت بوده است . ولی آیا عواملی که در روسیه شوروی بوجود آمد ممکن بود بسهولت در ایران فراهم گردد ؟

مثال دیگر که خیلی با نزدیکتر است همان زندگانی اقتصادی خودمان قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی است . در آنوقت درآمد نفت ایران باندازه‌ای نبود که در زندگی اقتصادی ما عامل مهمی محسوب شود و ما فاقد راه و راه آهن و جاده شوسه و کارخانه و اتومبیل و چیزهای دیگر بودیم و بعبارت دیگر زندگی اقتصادی ما محدود و حواصی ما معدود و سطح زندگی قاطبه مردم بسیار پائین و در مراحل اولیه بود . برگشت بچنین زندگانی دیگر مقدور نبود و تقلید از زندگانی اقتصادی شوروی هم بواسطه فقدان عواملی که ذکر شد میسر نمیکشت پس بنابراین اقتصاد بدون نفت غیر ممکن و دست کم غیر مقدور بود .

شاید برخی ادعا کنند که تعادل بازرگانی خارجی که در سالهای ۳۲-۱۳۳۱ روی داد نشانه‌ای از امکانات بود ولی فراموش می کنند که محدود کردن واردات کار آسانی است مشروط بر اینکه یک کشوری تصمیم ببیند آوردن سطح زندگی مردم را بگیرد . در سالهای مزبور تمام کارهای عمرانی متوقف گشت - اتوموبیل و کامیون و وسائل حمل و نقل دیگر وارد نشد - راه آهن بوضع مفلوکی دچار شد - سرمایه‌های داخلی متوجه سفته بازی و افزایش بهای زمین گشت - بیکاری روبزرونی رفت - از میزان کارهای تولیدی کاسته گردید و اگر مدت بیشتری دوام کرده بود هزینه زندگی بطور سرسام آوری بالا میرفت و عواقب بسیار وخیمی برای کشور ایجاد میگشت . بنابراین باید گفت که هواخواهان اقتصاد بدون نفت چنین عقیده‌ای را جدی نمی پنداشتنند و فقط برای تبلیغات بکار میبردند .

پس از خلع ید از شرکت نفت و بمصرف رساندن چهارده میلیون لیره پشوانه اسکانس دولت متوجه شد که حل قضیه نفت ممکن است طولانی باشد و بفکر این افتاد که نهایت صرفه جوئی را در هزینه های عمومی بنماید . در مهر ماه ۱۳۳۰ دولت تصویب نامه‌ای صادر کرد که پانزده درصد از هزینه های عمومی کاسته شود و دستورا کید داد که نهایت صرفه جوئی در مخارج بعمل آید و ضمناً سی درصد بمالیات دخانیات و پنجاه درصد بعوارض ورودی اتوموبیلهای سواری افزود . بتدریج که از موجودی ارز خارجی کاسته شد واردات محدود گردید و بهای کالا های خارجی افزایش یافت ولی صادرات هم بالا رفت .

دولت چند طریقه را برای رفاه حال توده مردم در نظر گرفت و تا آخر کار هم تعقیب کرد . اول آنکه اعلام نمود که از عده کارکنان دولت نخواهد کاست و هیچکس را از ادارات دولتی خارج نخواهد کرد . دوم اینکه بهای احتیاجات توده مردم را که عبارت از قند و چای و دارو و قماش باشد کم و بیش ثابت نگاهداشت که تحمیل بیشتری

بآنها نشود. سوم اینکه اعلام نمود که حقوق و دستمزد عموم کارکنان صنعت نفت را تا آخر خواهد پرداخت.

درسفری که دکتر مصدق بامریکا کرد توفیق یافت که هشت ملیون دلار و کسری از صندوق بین‌المللی وام بگیرد و دولت امریکاهم مبالغی بعنوان اصل چهار شروع بخرج کردن نمود. در آذرماه ۱۳۳۰ دولت اولین قرضه ملی را مبلغ پانصد ملیون ریال منتشر کرد ولی سرمایه‌داران ایرانی از آن استقبال شایانی نکرده و فقط طبقات متوسط مبلغی از آن را خریداری کردند. در شهریور ۱۳۳۱ ازد کتر ساخت آلمانی^۱ دعوت شد که بایران آمده و طرح اقتصادی برای کشور تنظیم نماید. او چهار روز در تهران ماند و بدولت توصیه کرد که بهر نوعی هست قرضه نفت را زودتر حل نماید تا بحران اقتصادی خاتمه یابد. یکماه بعد مسیوکامیل گوت^۲ وزیر سابق دارایی بلژیک بایران دعوت شد که در باره اقتصاد کلی ایران و امور بانک ایران مطالعاتی نموده و گزارشی تهیه کند. متأسفانه تمام این اقدامات بجائی نرسید و بحران اقتصادی روز بروز شدیدتر میشد و در اواخر کار دکتر مصدق بطور مجرمانه دست بانتشار اسکناس زد و تورم پول را شدیدتر نمود.

از تیر ۱۳۳۱ وضع اقتصادی رو بخامت گذاشت و طبقه حاکمه ایران بسیار ناراحت و نگران شده و شروع به مخالفت با حکومت دکتر مصدق را نمود. سایر طبقات با وجود افزایش هزینه زندگی و محرومیت‌های بسیار حاضر بودند که استقامت بیشتری بخرج دهند ولی طبقه ثروتمند نگرانی بسیاری پیدا کرد و مخالفت با دولت را آغاز نمود.

در قسمت فروش نفت هم توفیق بسیاری حاصل نشد. در ماه خرداد ۱۳۳۰ دکتر گارافا^۳ نایب رئیس شرکت ملی نفت ایتالیا بتهران آمد و پس از مذاکراتی بدولت گفت که شرکت او قراردادی برای خرید نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس برای مدت ده سال دارد و اگر شرکت مزبور غفلتی در تحویل نفت کرد او با دولت ایران وارد مذاکره شده و نفت ایران را خواهد خرید. بعدها معلوم شد که مسافرت دکتر گارافا با اطلاع شرکت نفت ایران و انگلیس انجام گرفته و شرکت ملی نفت ایتالیا با شرکت نفت ایران و انگلیس در مالکیت بزرگترین پالایشگاه نفت ایتالیا که نزدیک شهر ونیز است شریک میباشند.

دولت ایران حاضر بود که تخفیف کلی در قیمت نفت بخریداران بدهد و این تخفیف در چند مورد به صدی پنجاه یا نصف بهای نفت در خلیج فارس تنزل داده شد و بعلاوه دولت ایران حاضر بود که تحویل نفت را تضمین نماید تا خریداران مطمئن شده و معامله نمایند. در بهمن ماه ۱۳۳۰ شرکت ملی نفت ایران قراردادی با شخصی بنام کنت دلازونکا^۴ که خود را مدیر شرکت ایپیم^۵ ایتالیا معرفی کرده بود منعقد نمود. طبق این قرارداد شرکت ایپیم در سال ۱۹۵۲ چهارصد هزار تن و از آن سال به بعد تاده سال هر سال دو ملیون تن نفت از ایران خریداری میکرد. اولین کشتی که شرکت ایپیم برای حمل نفت با ایران فرستاد همان کشتی روزماری بود که در بندر عدن توقیف شد و شرح آن در بخش پیش گفته شد. یک شرکت ایتالیائی دیگر بنام شرکت سوپور^۶ قرارداد خرید مقادیر عمده نفت با شرکت

Dr. Garaffa (۳)

Camille Gutt (۲)

Dr. Hjalmar Schacht (۱)

Supor (۶)

Ente Petrolifero Italia -- Medio -- Oriente (۵)

Count Ettore della Zonca (۴)

ملی ایران منعقد کرد و اولین کشتی آن پنجهزارتن در دیماه ۱۳۳۱ صادر نمود و بعد هم مرتب کشتی‌های آن بایران آمده و نفت صادر می‌کردند. شرکت نفت ایران و انگلیس نسبت بصادرات مزبور در محاکم ایتالیا بر علیه شرکت سوپورا اقامه دعوا کرد ولی توفیقی نیافت. چندی بعد شرکت سوپورا قرارداد خود را با شرکت ملی نفت توسعه داد و یک قرارداد تهارتری منعقد گردید که بموجب آن بول نفت در ایتالیا بمصرف خرید کالاهای ایتالیائی میرسید.

یك شرکت ژاپونی بنام ایدمیتسو هم قرارداد خرید نفت باتخفیف کلی با شرکت ملی نفت در سال ۱۳۳۲ منعقد کرد و کشتیهای خود را مرتب به بنادر ایران فرستاده و نفت بژاپون صادر می‌کرد. در ژاپون هم شرکت نفت ایران و انگلیس بر علیه صادرات نفت ایران در محاکم ژاپون اقامه دعوا کرد و توفیقی نیافت. اگر چه کارتل بین المللی نفت توأم بانفوذ انگلستان در همه جا مانع صدور نفت ایران میشد معینا کوشش دولت ایران برای تهیه مشتری بی اثر نبود و در مدت زمامداری دکتر مصدق مقدار کمی نفت ایران بخرارج صادر گردید. البته بهای چنین صادراتی بواسطه تخفیف عمده ای که داده شد بسیار نازل بود و غیر از این ترتیب مشتریها حاضر نبودند که با مخاطرات مواجه شده و نفت ایران را خریداری نمایند ولی تردیدی نیست که دولت ایران میتواند بقیمت کم نفت خود را بمقادیر محدودی بفروشد و معلوم نیست که آیا چنین عملی با اصول اقتصادی وفق میداد یا نه. روی هم رفته با همه کوشش و تلاشی که شد و باتخفیف عمده ای که بخریداران نفت عرضه میشد مقدار نفتی را که دولت دکتر مصدق بفروش رساند از یکصد و بیست هزار تن تجاوز نکرد.

چنانکه در پیش گفته شد انگلیسها از روز اول معتقد بودند که دکتر مصدق قادر بانجام کارهای مثبت نیست و تا او زمامدار ایران میباشد حل قضیه نفت ایران غیر ممکن و بلکه مجال خواهد بود. بعکس امریکائیان عقیده داشتند که حل قضیه نفت در صورتی پایدار و برقرار خواهد بود که بدست پیشوای نهضت ملی انجام گیرد و کوشش بسیار نمودند که بهتر ترتیبی ممکن باشد این کار در حکومت دکتر مصدق انجام گیرد. کشمکش بین این دو نظر مدتها دوام داشت و دولت انگلستان ساعی بود که با مرور زمان نظر خود را با امریکائیان بقبولاند و بزرگترین پشتیبان نظر انگلیسها در امر نفت همان کارتل بین المللی نفت بود که از پنج شرکت بزرگ نفت امریکائی و شرکت نفت انگلیس و ایران و یک شرکت مختلط انگلیسی وهلانندی تشکیل شده بود. معروف است که حزب دموکرات امریکا نماینده طبقات متوسط و سرمایه داران نسبته کوچک تر است و بعکس حزب جمهوریخواه تحت نفوذ سرمایه داران بزرگ و شرکتهای عظیم مانند کارتل بین المللی نفت میباشد. پس از وقایع تیرماه ۱۳۳۱ که دولت دکتر مصدق دوباره زمام امور ایران را بدست گرفت انگلیسها متوجه بودند که در همان سال انتخابات ریاست جمهور امریکا در پیش است و اگر در حل قضیه نفت عجله ای نشود و حزب جمهوریخواهان هم توفیق حاصل کند کارتل نفت خواهد توانست نظر خود را بدولت جدید امریکا تحمیل نماید. همینکه آثار و علائم انتخاب این نهار بر ریاست جمهور امریکا ظاهر گشت جراید امریکا بتدریج شروع بانققاد

از دولت ایران نمودند و مخصوصاً چنانچه طرفدار حزب جمهوریخواه مدعی شدند که بحران اقتصادی ایران و سرسختی دکترومصدق در امر نفت عاقبت کار را بجای خواهد رساند که حزب توده در ایران قوی شده و حکومت را بدست گیرد. پس از انتخاب ایزنهاور در ماه آبان این انتقادات شدیدتر شد و دولت ترومن که چند ماه بعد حکومت را تحویل جمهوریخواهان میداد ناچار بود که تصمیمات مهم را بامشورت حزب مخالف خود اتخاذ نماید و لذا در مورد قضیه نفت ایران قدم تازه ای برداشت.

آنانیکه بسیاستهای پیچاندر پیچ جهان آشنائی دارند میدانند که کشورهای دنیا امروز یکدیگر کاملاً مربوط بوده و هیچ کشوری به تنهایی نمیتواند زندگی کرده و از سیاستهای کشورهای بزرگ دوری جوید. خواه ناخواه وقایع عمده ای که در جهان روی میدهد در راه و روش کشورهای دیگر بخصوص کشورهای کوچک تأثیر بسزائی دارد و انتخاب ایزنهاور هم بواسطه ارتباط کارتل نفت با حزب جمهوریخواه نمیتوانست در قضایای نفت بی تأثیر باشد.

پس از تشکیل دومین دولت دکترومصدق امید بحل قضیه نفت ضعیف تر گشت و وضع اقتصادی ایران وخیم تر شد و مخالفت باد دکترومصدق هم باشکال مختلف آغاز گشت. دکترومصدق بهیچوجه حاضر نبود که در راه و روش خود تغییری داده و قائل بانعطاف باشد و بنا برین بانهایت سرسختی ازدولت خود دفاع میکرد و بهروسیله ای که ممکن بود بکوبیدن مخالفین خود میپرداخت. قطع رابطه سیاسی با انگلستان اولین قدمی بود که برداشت زیرا چنانکه در پیش گفته شد او معتقد بود که عمال انگلیس با مخالفین او ارتباطاتی دارند و اخراج مأمورین سیاسی موجب قطع روابط مذکور خواهد گشت. پس از این اقدام وقایع سیاسی دیگری در ایران رخ داد که برای اجتناب از طول کلام باید بطور اختصار ذکری از آنها نمود.

در تاریخ ۲۱ مهرماه دولت عده ای را در تهران توقیف کرد و طی اعلامیه ای بمردم گفت که بموجب گزارشهای اصله توقیف شدگان بمعیت سرلشکر فضل الله زاهدی (که در آنوقت سناتور بود) و بعضی افراد دیگری که دارای مصونیت پارلمانی هستند برفع یک سفارت اجنبی مشغول توطئه و تحریک برضد دولت میباشند. دو روز بعد سرلشکر زاهدی طی اعلامیه مفصلی این اتهام را تکذیب کرده چنین گفت :-

«چقدر جای تأسف است که ملت ایران با آنهمه امید و آرزو و قبول انواع محرومیتها امروز ازدولت مصدق بغیر از فقر و بیکاری و هرج و مرج و تجاوز بنوامیس و جان و مال خود حاصلی ندارد و باید بجای امنیت و آسایش هر روز هوجبگیری و تبلیغات توخالی تحویل گیرد. کمال آرزوی من آنست که در پیشگاه ملت حقیقی ایران من و دکترومصدق محاکمه شویم تا پرده از روی ریاکاریها بردارم و مردم ستمدیده و محروم ایران را بر حقایق امور آگاه و از عواقب وخیمی که مقدمات آنرا جاهلانه یا مغرضانه فراهم کرده اند آگاه سازم. مگر تا قیامت هم میشود درسنگر نفت با حربه فرسوده نوکر استعمار و خادم بیگانه مردم را اغفال کرد؟ آیا برای زندگی مردم و رفع این آشوب و اصلاح اوضاع عمومی چه نقشه دارید و چه کرده اید؟»

پس از صدور اعلامیه فوق معلوم گشت که سرلشکرزاهدی پیشوائی مخالفین حکومت د کتر مصدق را بر عهده گرفته و از آن روز به بعد هر کس با د کتر مصدق مخالف بود به یاری زاهدی برخاست و بطور آشکار و مجرمانه از او پشتیبانی نمود. روز اول آبان ماه طرحی با سه فوریت در مجلس شورای ملی بتصویب رسید که مدت دوره مجلس سنارا بدو سال تقلیل میداد و در واقع موجب تعطیل مجلس سنا میگشت تا آنکه سناتورهای مخالف دولت را از میدان بدربرد. طرح مزبور بشرح زیر بود :-

«مجلس شورای ملی با توجه بمفهوم کلی قانون اساسی و باتکای اصول بنیج و چهل و چهار و پنجاه قانون اساسی اصل چهار قانون اساسی را چنین تفسیر مینماید که مدت نمایندگی منتخبین هر دوره تقنینیه اعم از مجلس شورای ملی و مجلس سنا دو سال است.»

در ماه آذر معروف شد که نقاری بین د کتر مصدق و سید ابوالقاسم کاشانی پیدا شده و نخست وزیر از دخالت‌هایی که در امور دولت میشود و توصیه‌های متعددی که بوزار تنخانه‌ها میشود خسته و دل‌تنگ شده است و بهمه وزار تنخانه‌ها دستور داده که در آینه دیگر ترتیب اثری به توصیه‌های مزبور ندهند. در دی ماه هم بین اعضای مؤثر جبهه ملی اختلافاتی درباره انتخاب اعضای هیئت مدیره شرکت ملی نفت رویداد. این اختلافات منتهی بشکافی بین پیروان د کتر مصدق گردید که کم و بیش تا اواخر حکومت او ادامه داشت.

نخست وزیر بموجب قانون اختیارات شش ماهه که بتصویب مجلس رسیده بود طرح جدیدی برای قانون انتخابات تهیه کرده و منتشر کرد که قبل از تصویب هر کس نظری نسبت بآن دارد اظهار نماید. طرح مزبور برای بعضی از نمایندگان تولید شبهه کرده بود که اجرای قانون جدید انتخابات ممکن است موجب تعطیل دوره هفدهم مجلس شورای ملی گردد. در جلسه ۱۴ دیماه عده‌ای از نمایندگان طرحی با سه فوریت تقدیم مجلس کردند که میگفت «هیچ طرح و یا لایحه‌ای نمیتواند بموجب امضاء رئیس دولت باعث تعطیل یا فلج شدن مجلس فعلی گردد.» روز پانزدهم دیماه نخست وزیر نطقی از رادبو خطاب بملت ایراد کرد و توضیح داد که قانون جدید انتخابات را که او میخواهد تصویب و بموقع اجرا گذارد عطف بماسبق نشده و توهمی که برای بعضی از نمایندگان حاصل شده بی مورد است. نطق مزبور انتقادات شدیدی نسبت به بعضی از اعضای جبهه ملی که مخالف دولت شده بودند داشت و در پایان آن نخست وزیر چنین گفت: «ملت ایران - فرزندان عزیز من - امروز یکبار دیگر دنیا چشم بدرایت و کاردانی و موقع شناسی و انضباط شما دوخته است. فرد فرد شما نباید مسئولیتی را که در پیشگاه خدای بزرگ و وجدان پاک خود و دینی را که بیرجم و تاریخ پرافتخار خویش دارید لحظه‌ای از یاد ببرید. حساسیت زمان و عظمت مبارزه و آشفتگی جهان و خرابی اوضاع هشیاری شما را در همه حال ایجاب میکند. فرزندان عزیز وطن - با چشمان بساز و بیدار مراقب سرنوشت خانه کهن سال خود باشید تا مبادا تاریخ فردا از نسل امروز پستی یاد کند و مارا مستحق نفرین و لعنت بشناسد.»

روز ۱۶ دیماه اعضای حزب توده تظاهراتی در خیابانها کردند و بین آنها و

دستجات دیگر زد و خوردی واقع شد که بموجب اعلامیه حکومت نظامی یک نفر مقتول و ۱۲ نفر مجروح شدند. روز ۱۷ دیماه مجلس شورای ملی با اکثریت زیاد بدولت رأی اعتماد داد. روز ۱۸ دیماه نخست وزیر نامه ای بمجلس شورای ملی نوشته و تقاضا کرد ماده واحده ای تصویب شود که اختیارات او برای تصویب موقت قوانین برای یکسال دیگر تمدید گردند. همینکه نامه نخست وزیر خوانده شد حسین مکی استعفای خود را از نمایندگی مجلس نوشته تقدیم رئیس نمود و از مجلس خارج گردید. چند نفر دیگر از نمایندگان هم معترض به تمدید اختیارات دکتر مصدق بودند و مخالفت خود را ابراز داشتند. در جلسه ۲۵ دیماه مجلس شورای ملی دکتر بقائی نطق مفصلی کرده و باتمدید اختیارات دکتر مصدق مخالفت نمود و همانروز جراید تهران نوشتند که مذاکرات نفت بمرحله حساس خود نزدیک شده است و انتظار می رود که تا ۴۸ ساعت دیگر اعلامیه رسمی درین باره منتشر گردد، و علاوه کردند که انگلستان با ارجاع مسئله غرامات و رسیدگی بادعاهای متقابل ایران بیک هیئت داورى بیطرف و حمل نفت ایران به بازارهای غربی و کمک اقتصادی بایران موافقتهایی کرده که توسط سفیر امریکا بدولت اطلاع داده شده است. این خبر تا اندازه ای از مخالفت نمایندگان بالا یچه تمدید اختیارات دولت کاست و محیط مجلس را مساعد بادولت نمود. در جلسه ۲۸ دیماه مجلس حسین مکی استعفای خود را مسترد داشت و حائری زاده نطق شدیدی بر علیه تمدید اختیارات دکتر مصدق نمود و رئیس مجلس هم طی نامه ای بنمایندگان اطلاع داد که طرح لایحه تمدید اختیارات رئیس دولت مخالف با قانون اساسی میباشد. روز ۲۹ دیماه بازار تهران تعطیل شد و تظاهرات شدیدی به پشتیبانی از دولت صورت گرفت و دکتر مصدق بنمایندگان گفت که باید هر چه زودتر تکلیف لایحه تمدید اختیارات او را مجلس روشن کند و الامسئولیت حفظ انتظامات کشور بعهده مجلس خواهد بود. روز ۳۰ دیماه مجلس لایحه تفویض اختیارات یکساله بدکتر مصدق را تصویب کرد. در جلسه مزبور عده حاضر ۷۷ نفر و موافقین بالا یچه دولت ۵۹ نفر بودند.

روز دوم بهمن دکتر مصدق پیامی از رادیو خطاب بملت ایران ایراد کرد و با وجود وعده ای که جراید تهران درباره حل قضیه نفت در چند روز پیش داده بودند هیچ اشاره ای بمذاکرات خود با سفیر امریکا نکرد. درین سخنرانی دکتر مصدق چنین گفت:

«مراقبت و بیداری گران قیمتی را که مردم و نمایندگان آنها طی دو هفته اخیر بحرانی بکار بردند از نظر آنهایی که از دور و نزدیک اوضاع سیاسی وطن ما را مطالعه میکنند ارزش بسیار داشت. یکمرتبه دیگر ایرانی ثابت کرد که نهضت او عمیق تر و ریشه دار تر از آنست که بسادگی بتوان آنرا دستخوش طوفان اختلاف و تشقت قرار داد. این مبارزه با روح و جان ملت پیوند دارد و مردم ایران بخوبی درک کرده اند که این جهاد عظیم ملی بر سر هست و نیست و مرگ و بقای یک مملکت شروع شده و با وحدت و اتفاق و فداکاری باین مرحله از پیروزی رسیده است ... من از انتقادات بجا و اصولی یاران موافق و دوستان مخالف نه تنها هرگز نمی رنجم و در حساب مملکت احساسات شخصی را مداخله نمیدهم بلکه نصایح و انتقادات ایشان را بمنزله چراغ راهنمای خود می شمارم ... اختیاراتی که

مجلس شورای ملی در موارد معینه باینجانب تفویض کرده است فقط برای این است که لوائی تهیه و بعنوان آزمایش به موقع اجرا گذاشته شود. >

روز ۸ بهمن دکترا مصدق و کاشانی بایکدیگر ملاقات و پس از چهار ساعت مذاکره اعلامیه مشترکی مبنی بر رفع اختلاف نظر و ادامه همکاری رئیس دولت و رئیس مجلس منتشر کردند ولی ارباب بصیرت میدانستند که ادعای رفع اختلاف ظاهری بود و در باطن اختلافات برقرار و عده ای از سران نهضت ملی من جمله حائری زاده و دکترا بقائی هم دیگر موافقتی با دکترا مصدق ندارند.

روز سوم اسفند نخست وزیر بنمایندگان فراکسیون نهضت ملی اطلاع داد که تحریکاتی علیه دولت وجود دارد و توسط چند نفر از آنها جریان تحریکات مزبور را بعرض شاهنشاه رسانید. روز ششم اسفند سر لشکر فضل الله زاهدی بموجب ماده پنج حکومت نظامی توقیف شد. روز نهم اسفند شهرت یافت که شاهنشاه قصد مسافرت بخارج ایران را دارند و با هواپیما حرکت خواهند کرد. بتقاضای رئیس مجلس و علما و نمایندگان و اصرار و پافشاری مردم پایتخت که از صبح روز نهم در دربار اجتماع کردند سرانجام موجب انصراف شاهنشاه از مسافرت شدند و اعلامیه زیر عصر همان روز از طرف وزارت دربار منتشر گردید :-

« اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بواسطه عارضه کسالت تصمیم داشتند مسافرت کوتاهی از راه عراق پس از زیارت اعتاب مقدسه بخارج بفرمایند. این تصمیم شاهانه موجب نگرانی و بروز احساسات میهن پرستانه از طرف قاطبه مردم محترم گردید و با اجتماع و تظاهرات شایسته تقدیری خواهان انصراف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از مسافرت شدند. چون خاطر خطیر شاهانه پیوسته معطوف بر رعایت افکار عامه میباشد با سپاسگزاری و قدردانی از احساسات پاک مردم فعلا از مسافرت انصراف حاصل فرمودند. >

عصر روز نهم اسفند نخست وزیر در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی حضور بهم رسانده و اظهار داشت که بواسطه موانعی که در راه پیشرفت کارها رو پنداده خیال داشته است فرزندوم کند و سپس اعلیحضرت همایونی اظهار تمایل بمسافرت کردند و صبح روز نهم او و سایر وزیران برای عرض خدا حافظی شرفیاب شدند که مواجه باتظاهرات مردم گشتند و بعد هنگامیکه نخست وزیر بخانه خود مراجعت کرد مشاهده کرده است که یک جیب ارتشی و عده ای بمنزل او حمله کردند. قضیه روز نهم اسفند بچران سیاسی دیگری ایجاد کرد که منتهی به تحصن ۲۸ نفر از نمایندگان در مجلس شورای ملی گردید و احزاب طرفدار دکترا مصدق چند روز متوالی بتظاهر پرداختند و عده ای از افسران بازنشسته و جمعی دیگر توقیف شدند. روز دوازدهم اسفند نخست وزیر بیامی خطاب بملت منتشر کرد و از عموم طبقات تقاضا کرد که به تعطیل عمومی خاتمه داده و متانت و آرامش را حفظ نمایند و نمایندگان هم به تحصن خود در مجلس خاتمه دادند. یک هیئت هشت نفری هم از نمایندگان مجلس انتخاب شدند که برای رفع اختلافات بین دربار و دولت اقدام مقتضی نمایند. هیئت مزبور پس از تماس با دربار و نخست وزیر گزارشی تهیه کردند که در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی مورخه ۲۱ اسفند قرائت گردید و حاکی ازین بود که

« بین اعلیحضرت همایونی و رئیس دولت کوچکترین اختلافی که ناشی از نظریات شخصی و خصوصی باشد موجود نیست و بعلاوه اعلیحضرت همایونی فرموده اند که همواره علاقه کامل خود را بر رعایت اصول قانون اساسی تصریح و زحمات جناب آقای دکتر مصدق را در پیشرفت نهضت ملی ایران تقدیر نموده اند. » و نیز در گزارش مزبور ذکر شده بود که اداره کلیه امور کشوری و لشگری از حقوق هیئت دولت و وزیران است و چنانکه گفته شد گزارش مزبور مورد موافقت شاهنشاه و نخست وزیر قرار گرفته بود. روز ۲۶ اسفند سرلشکر زاهدی و دیگرانی که پس از واقعه نهم اسفند توقیف شده بودند آزاد گردیدند و بدین نحو بحران سیاسی اسفند ماه خاتمه یافت.

پس از عید نوروز جراید تهران نوشتند که در آخرین ملاقاتی که سفیر کبیر امریکا بانگست، وزیر داشته از طرف رئیس دولت بوی اظهار شده بود که رفتار نامبرده در مورد قضایای داخلی ایران طوری است که دولت ایران نمیتواند آنرا نادیده بگیرد. نخست وزیر ملاقات سفیر کبیر امریکا را با وزیر دربار در روز نهم اسفند که شاهنشاه عزم سفر خارج از کشور را داشتند بعنوان مداخله در امور داخلی ایران تلقی کرده و بسفیر مزبور گوشزد کرده که با وجود علاقه ای که دولت بحفظ مناسبات حسنه با دولت امریکا دارد در صورت ادامه این وضع و دخالت مقامات امریکایی در امور داخلی ایران از واشنگتن تقاضای احضار او را خواهد کرد.

روز ۱۵ فروردین دالس وزیر خارجه امریکا در يك مصاحبه مطبوعاتی اظهار

داشت :

« همانطور که قبلاً نیز اعلام کرده ام نظر دولت امریکا آن است که پیشنهاد اخیر امریکا و انگلیس که چندی پیش (۲۹ اسفند) از طرف دکتر مصدق رد شد عادلانه میباشد و فعلاً امریکا پیشنهاد دیگری برای حل مسئله نفت ایران ندارد» این اظهار تأثیر بسیاری در محافل سیاسی ایران نمود و معلوم داشت سیاست حکومت جمهوریخواه امریکا با دولت انگلستان همساز گشته است.

روز ۱۶ فروردین نخست وزیر پیامی از رادیو به مردم ایران فرستاد و چنین گفت :-

« هموطنان عزیز - روز نهم اسفند گذشته باین عنوان که دکتر مصدق میخواهد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را بخارج روانه کند عده ای جلوی کاخ اختصاصی آمده بودند و قصدشان این بود که در موقع خروج از کاخ کار مرا یکسره سازند ولی به هدف نرسیدند. پس از آن جلوی خانه اینجانب آمدند و باز کامیاب نشدند. گرچه توضیحات راجع بتصمیم این مسافرت را همان شب در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی داده ام ولی نظر باینکه رسماً و کاملاً منتشر نشد و حتی بمردم چنین وانمود کردند که ابتکار این مسافرت با اینجانب بوده و اختلاف شخصی بین اعلیحضرت همایونی و اینجانب وجود دارد این است که لازم میدانم چگونگی را برای روشن ساختن اذهان عمومی باستحضار هموطنان عزیز برسانم پس از اینکه باراده ملت مجدداً اینجانب مأمور تشکیل دولت شدم روز اول مرداد ۱۳۳۱ که احساسات مردم باوج عظمت خود رسیده بود و همه از جریان آن واقعه استحضار کامل دارند برای اینکه بکلی رفع نگرانی از اعلیحضرت بشود

ودشمنان مملکت درین موقع که ما گرم مبارزه با اجنبی هستیم هر روز نتوانند بنوعی ذهن ایشان را مشوب نموده اختلافی میان دربار و دولت بیندازند و ازین راه باساس نهضت ملی ضربتی برسانند این شرح را « دشمن قرآن باشم اگر بخواهم برخلاف قانون اساسی عمل کنم و همچنین اگر قانون اساسی را نقض کنند ورژیم مملکت را تغییر دهند من ریاست جمهور را قبول نمایم » در پشت کلام الله مجید نوشته و آنرا بحضورشان فرستادم... درخاتمه لازم است تأیید کنم به قسمی که نسبت باعلیحضرت همایون شاهنشاهی یاد کرده‌ام همیشه وفادارم و اطاعت از اصول قانون اساسی را نه فقط درصلاح مملکت بلکه درصلاح مقام سلطنت نیز میدانم. ولی چون قبل از نهضت اخیر که سیاست خارجی در امور مملکت دخالت میکرد هیچگونه اختلاف اساسی بین دربار و دولت‌های وقت وجود نداشت و این اختلاف پس از ملی شدن صنعت نفت بوجود آمده امیدوارم که مجلس شورای ملی هر قدر زودتر تکلیف گزارش هیئت هشت نفری حل اختلاف را معلوم کنند و بروح قانون اساسی مفهوم واقعی خود را باز گردانند تا هیچوقت بین دربار و دولت‌ها جای اختلاف نباشد. در مملکت مشروطه برای اینکه مقام سلطنت محفوظ و مصون از تعرض باشد پادشاه مسئول نیست و بهمین جهت است که گفته‌اند پادشاه سلطنت میکند نه حکومت.»

نکته‌ای که در پیام فوق جلب توجه عامه را کرد این بود که در شرحی که دکتر مصدق پشت قرآن نوشته و فرستاده بود گفته بود که « اگر قانون اساسی را نقض کنند و رژیم مملکت را تغییر دهند » برای بسیاری از صاحب نظران این عبارت بسیار سنگین آمد زیرا در آنوقت چنین نظری در بین هیچک از طبقات مردم بغیر از طرفداران حزب توده موجود نبود و از آنوقت به بعد بسیاری حدس زدند که چنین نظری ممکن است در دستگاه دولت در حال تکوین باشد.

از ماه اسفند ۱۳۳۱ به بعد معلوم بود که قضیه نفت به بن بست رسیده و اختلافات داخلی رو بشدت گذاشته و در بین سران نهضت ملی شکاف عمیقی پیدا شده و طبقه‌ها که چهار نگرانیهای بسیار گشته و دولت امریکا هم با نظر انگلیسها موافق شده است که حل قضیه نفت با دولت مصدق دیگر میسر نیست. قصد عزیمت شاهنشاه به خارج بر نگرانیهای مردم بسی افزود و هنگامیکه وزیر دربار در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که پیشنهاد مسافرت شاهنشاه از طرف سه تن از اعضای جبهه ملی بوده است بسیاری از مردم درین اندیشه بودند که مبادا نقشه هائی طرح شده باشد که عواقب وخیمی برای مردم ایجاد کند. دکتر مصدق برای حفظ موقعیت خود بیشتر از پیش متوسل به پیامهای رادیویی و تشدید فعالیت دستگاه تبلیغاتی دولت بر علیه مخالفین و تظاهرات دسته‌های طرفدار خود در خیابانها و میدانهای تهران گشت ولی اینگونه کارها در صورتی سودمند بود که مردم امیدوار بآینده می شدند در صورتیکه در آن هنگام یأس و ناامیدی تأثیر بسیاری در افکار عمومی کرده بود. بتدریج از هواخواهان دکتر مصدق کاسته میشد و بعکس بر فعالیت حزب توده افزوده میگشت. اگر در تظاهرات سال ۱۳۳۱ یک سوم جمعیت اعضای حزب توده بوده و دوسوم دیگران بودند از اوایل ۱۳۳۲ قضیه بر عکس شده و میتینگ‌ها و تظاهراتی که برفع دولت صورت میگرفت دوسوم آنرا اعضای حزب

توده تشکیل میدادند. دولت تصور میکرد که بر اوضاع مسلط میباشد و حزب توده پاداشی در مقابل خدمات خود مطالبه نخواهد کرد ولی در نظر ارباب بصیرت واضح بود که نقشه حزب توده این است که بتدریج دولت را محتاج خود سازد تا بتواند مقاصد خود را انجام دهد. وضع اقتصادی هم رو بوخامت میرفت و شهرت اینکه دولت بطور محرمانه مبادرت به نشر اسکناس کرده است هزینه زندگی را بالا میبرد و طبقه متمکن گرفتار هراس و نگرانی بسیار شده بود و از افزایش نفوذ حزب توده ناراحت و مشوش بود. خلاصه اینکه در اوایل سال ۱۳۳۲ اضطراب و نگرانی عمیقی در بین طبقات مختلف مردم حکمفرما بود و وقایع بعد هم هر روز بر شدت آن میافزود.

بخش چهاردهم - آخرین تلاش

از اوایل اسفندماه ابوالقاسم بختیار در جنوب علیه قوای انتظامی و دولت قیام کرده بود و پس از اعزام قوا و محاصره او و بستگانش در اواخر فروردین تسلیم قوای دولتی گردید. دولت دکتر مصدق رفتار ابوالقاسم بختیار را به حساب مخالفین خود گذاشته و با جدیت بسیار بسر کوبی او اقدام کرد. روز اول اردیبهشت سر تیپ افشارطوس رئیس کل شهر بانی مفقود گشت و شش روز بعد جسد او در تپه های لشکرک واقع در شمال تهران کشف گردید. روز سوم اردیبهشت حسین علا وزیر دربار از شغل خود استعفا داد و ابوالقاسم امینی بکفالت وزارت دربار شاهنشاهی منصوب گردید. روز دوازدهم اردیبهشت فرماندار نظامی تهران اعلامیه ای صادر کرده و چنین گفت:

آنچه از مجموع بازجوییهاستیکه از متهمین قتل افشارطوس بعمل آمده و اقراریه و اعترافات صریح آنها مستفاد میگردد این است که عده ای از افسران بازنشسته که از پیش آمد بازنشستگی خود عصبانی شده بودند تصمیم میگیرند که بوساطتی متوسل شده تا بتوانند بمقام و شغل خود برگردند ولی پس از آنکه از تشبثات عادی مأیوس شدند ناگزیر با مخالفین دولت پیوند کرده تا با قدرت و قوت بیشتری دولت را تضعیف و ازین راه بهرام خویش نائل گردند. این فکر و اندیشه آنها را بطور کلی و ادار کرد که باشخاص مخالف دولت مراجعه و از طرفی مخالفین هم در صدد بودند که از وجود ناراضیها استفاده نمایند. سپس اعلامیه مزبور بشرح کامل ماجرا پرداخته و تلویحاً متذکر شده بود که دکتر بقائی و سرلشکر فضل الله زاهدی در این قضیه وارد بوده اند. روز ۱۴ اردیبهشت سرلشکر فضل الله زاهدی در مجلس شورای ملی متحصن شد و بخبرنگاران جراید اظهار داشت: « چون اطمینان ندارم که دستگاه دولت مطابق قانون و حیثیت اشخاص با من رفتار خواهد کرد بخانه ملت پناهنده شدم و برای دادن توضیح بمقامات صلاحیتدار حاضریم در باره پرونده قتل افشارطوس من از خود مطمئن هستم مادام که نتوانم مانند یک فرد ساده از آزادی استفاده کنم در مجلس میمانم. » روز ۲۱ اردیبهشت فرمان ملوکانه صادر شد که بموجب آن کلیه املاک پهلوی بدولت واگذار گردید که دولت آنها را اداره کند و در عوض سالیانه مبلغ شصت میلیون

ریال بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بدهد که با نظارت دولت برای امور خیریه مصرف گردد. همان روز سخنگوی دولت اظهار داشت که روابط دولت و دربار صمیمی بوده و اکنون يك همکاری صمیمانه و نزدیک بین دولت و دربار وجود دارد. روز ۲۴ اردیبهشت وزیر دادگستری طی نامه‌ای خطاب بمجلس شورای ملی اظهار داشت که مطابق گزارش وزارت دفاع ملی و دلایل ومدارك پیوسته د کتربقائى متهم بمعاونت در قتل افشارطوس است وتقاضای سلب مصونیت اورا کرد.

در اواخر اردیبهشت دالس وزیر خارجهٔ امریکا مسافرتی بکشورهای خاورمیانه و پاکستان کرد و هندرسن سفیر کبیر امریکا در تهران برای ملاقات او بکراچی عزیمت نمود. در مراجعت از کراچی هندرسن بیانیهٔ زیر را در تاریخ ۴ خرداد در تهران منتشر کرد: «طبق دستور آقای دالس وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا بامداد امروز بیانیهٔ زیر از طرف نامبرده توسط آقای هندرسن سفیر کبیر امریکا هنگام بازگشت بایران صادر گردیده است: «متأسفم ازینکه برایم میسر نگردید که در طی مسافرت خود بکشورهای خاورمیانه و آسیای جنوبی از ایران دیدن نمایم. امیدوارم که در مسافرت آتی خود باین قسمت از جهان بتوانم بایران آمده و بامردم آنکشور از نزدیک آشنا شوم و با زمامداران ایرانی دربارهٔ مسائل مورد علاقهٔ دو کشور مذاکره نمایم. مردم امریکا علاقهٔ قلبی نسبت بایران داشته و با ابراز همدردی شاهد مبارزات ایرانیان در راه آزادی و آمسال ملی خود بوده‌اند. دولت و ملت امریکا مخصوصاً اشتیاق دارند که ایران در حل مشکلات خود موفق شود و اصولی را هم ملاک عمل خود قرار دهد که در مناسبات مللی که درین جهان به یکدیگر متکی می‌باشند معمولاً حکمفرماست و نیز دولت و ملت امریکا مخصوصاً اشتیاق دارند که ملت ایران با آینده‌ای که شایستهٔ گذشتهٔ ممتاز آن میباشد مستقل و نیرومند از مشکلات کنونی خود خارج شود.» نیامدن دالس بایران و جملهٔ «اصولی را هم ملاک عمل خود قرار دهد که در مناسبات مللی که درین جهان به یکدیگر متکی می‌باشند معمولاً حکمفرماست» که در بیانیهٔ او ذکر شده بود واضح میساخت که دولت امریکا سیاست دولت ایران را دربارهٔ نفت دیگر بانظر مساعدی تلقی نمی‌کند و خواستار این است که ایران در حل مشکلات خود اصول دیگری غیر از آنچه تعقیب کرده است قبول نماید. برای کسانی که با زبان دیپلماسی آشنا میباشند بیانیهٔ فوق واضح میساخت که دولت جمهوریتخواه امریکا دیگر حاضر نبود که در امر نفت واسطه قرار گرفته و میانجی‌گری کند مگر اینکه در روش دولت ایران تغییر کلی حاصل گردد. چندروز پس از انتشار بیانیهٔ فوق هندرسن بعنوان مرخصی بامریکا عزیمت نمود.

از فروردین ۱۳۳۲ تا آخر خرداد کشمکش‌های فراوانی بین نمایندگان طرفدار دولت ومخالفین ادامه داشت و در نتیجهٔ آن فقط چندجلسهٔ مجلس شورای ملی تشکیل شد که آنهم صرف مشاجرات بود. روز ۲۹ خرداد فراکسیون نهضت ملی مجلس میتینگ بزرگی در میدان بهارستان تشکیل داده و بیاناتی در تأیید وبشتیبانی از دولت د کتر مصدق ایراد کرد. روز چهارم تیرماه نخست وزیر از نمایندگان فراکسیونهای مجلس دعوت کرده و با آنها

اظهار داشت که تعطیل مجلس بهیچوجه جائز نیست و هر دولت ملی باید تمام مساعی خود را بکار برد که مجلس وجود داشته و بوظایف خود عمل نماید. و نیز گفت وظایف قانونی مجلس بهعده اکثریت و اقلیت است که اولی پشتیبان و دومی راهنمای دولت می باشد و منفردین که عقیده خود را صریحاً نمی گویند نمی توانند بوظیفه خود عمل نمایند. درخاتمه گفت: « تعطیل مجلس بنفع هیچیک از نمایندگان محترم نیست و امیدوارم قبل از آنکه اوضاع و احوال بچنین امراضطراری منجر شود نمایندگان وطن پرست، مجلس را بطریق منطقی سوق داده دولت و ملت را ازین بن بست نجات دهند. »

بیانات نخست وزیر در واقع يك اخطاری بنمایندگان و بخصوص نمایندگان منفرد بود که تکلیف خود را بادولت معین کنند و ضمناً تهدیدی بود که اگر رویه مجلس تغییر نیابد تعطیل آن در پیش خواهد بود. روز دهم تیرماه د کتر معظمی بریاست مجلس شورای ملی انتخاب شد و مخالفین دولت که کاندیدشان کاشانی بود توفیقی نیافتند. در تاریخ ۲۰ تیرماه متن نامه های متبادله بین نخست وزیر و رئیس جمهور امریکا شرح زیر در تهران انتشار یافت :-

متن پیام نخست وزیر به ژنرال آیزنهاور

حضرت رئیس جمهور عزیز :

در جواب نامه ملاطفت آمیز مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۳، پیام اینجانب که پیشنهاد فرموده اید نظریاتی را که مورد علاقه مشترک ما بوده است مستقیماً و یا از مجرای دیپلماتیک باستحضار خاطر عالی برسانم. در آن پیام مختصری از پریشانی ها و مضایقی که ملت ایران در راه تحقق بخشیدن باآمال خود در دو سال اخیر تحمل نموده و همچنین مشکلاتی را که دولت انگلستان برای پشتیبانی از ادعاهای غیر منطقی يك شرکت مستعمراتی برای ایران ایجاد کرده است بعرض برسانم. در این چند ماهی هم که از تاریخ این پیام میگذرد ملت ایران گرفتار مضایق مالی و دسایس سیاسی شرکت سابق نفت و دولت انگلستان بوده از آن جمله خریداران نفت ایران را از داد گاهی به داد گاه دیگر کشانده و باتمام وسایل تبلیغاتی و دیپلماسی موانع غیر قانونی در سر راه فروش نفت ایران ایجاد کرده و با آنکه داد گاههای ایتالیا و ژاپن فروش نفت ایران را بلا مانع اعلام نمودند از اقدامات برخلاف حق و اصول تاکنون دست برنداشته اند گرچه امید میرفت که در زمان تصدی آن حضرت توجه بیشتری بوضعیت ایران بشود ولی متأسفانه هنوز در روش دولت امریکا تغییری حاصل نشده است. در پیامی که آقای وزیر خارجه امریکا از کراچی برای اینجانب ارسال داشته اند اظهار تأسف کرده اند از اینکه تاکنون امریکا در مجاهدت خود برای کمک بحل مسئله غرامت توفیق حاصل نکرده است. باید بخاطر داشت که دولت ایران حاضر شد دیوان بین المللی داد گستری قیمت اموال شرکت سابق در ایران را هر قدر تمیین کند پیردازد و نیز حاضر شد که صلاحیت دیوان مزبور را در باره غرامت باین شرط قبول کند که قبلاً دولت انگلستان مبلغ مدعا به خود را در حد وحق و انصاف تعیین نماید. بدیهی است که دولت ایران هم از شرکت سابق نفت و دولت انگلیس مطالباتی

دارد که در موقع طرح دعوی اظهار میکرد . چون دولت انگلیس باین امید است که وضعیت سابق خود را در ایران تجدید کند بهیچیک ازین پیشنهادات ترتیب اثر نداده اکنون در اثر اقدامات شرکت سابق و دولت انگلستان ملت ایران در برابر مشکلات اقتصادی و سیاسی بزرگی قرار گرفته است که ادامه این وضع از نقطه نظر بین المللی نیز ممکنست عواقب خطیری داشته باشد و اگر در این موقع کمک مؤثر و فوری باین مملکت نشود شاید اقداماتی که فردا بمنظور جبران غفلت امروز بعمل آید خیلی دیر باشد . البته در این مدت کمک هائی از طرف دولت امریکا بایران شده که موجب تشکرات ولی آنقدر نبوده است که مشکلات ایران را مرتفع کند و صلح جهانی را که هدف و آمال دولت و ملت شرافتمند امریکا است تأمین نماید . سطح زندگی مردم ایران در نتیجه یکقرن سیاست استعماری خیلی پایین بوده و بالا بردن آن بدون برنامه های عمرانی دامنه دار امکان پذیر نخواهد بود . متأسفانه کمک هائی که تا کنون شده اصولاً در حدود کمک های فنی بوده و حتی در این قسمت نیز گاهی اوقات مساعدتهائی که لازم بوده نشده است من باب مثل یادآوری میشود که بانک صادرات که میبایست ۲۵ میلیون دلار برای امور کشاورزی بایران کمک کند بواسطه دخالت های ناروای دیگران منصرف گردید . ملت ایران امیدوار است که بامساعدت و همراهی دولت امریکا سوانعیکه در راه فروش نفت ایران ایجاد شده برطرف شود و چنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست کمک های اقتصادی مؤثری بفرمایند تا ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده نماید کشور ایران غیر از نفت دارای ثروت های طبیعی دیگر نیز هست که بهره برداری از آنها مشکلات فعلی کشور را حل خواهد نمود ولی این امر بدون کمک های اقتصادی میسر نمیشد . در خاتمه توجه موافق و اثر بخش آن حضرت را بوضع فعلی ایران جلب نموده و یقین دارم تمام نکات این پیام را با اهمیتی که شایسته است تلقی خواهند فرمود . خواهشمند است احترامات فائمه دوستدار را قبول فرمائید .

دکتر محمد مصدق

متن پاسخ رئیس جمهور

۱۲ تیر ماه ۱۳۳۲

جناب آقای نخست وزیر

محترماً پیامی را که رئیس جمهوری دول متحده امریکا در جواب نامه آن جناب بتاريخ هفتم خرداد ماه ۱۳۳۲ (مطابق ۲۸ مه ۱۹۵۳) ارسال داشته اند تقدیم میدارم . از آن جناب خواهشمندم بار دیگر احترامات فائمه دوستدار را قبول فرمایند

کردن . . متیسون

کاردار موقت

ضمیمه - رونوشت پیام رئیس جمهوری دول متحده به نخست وزیر ایران آقای نخست وزیر عزیز . نامه آن جناب بتاريخ هفتم خرداد ماه ۱۳۳۲ (۲۸ مه ۱۹۵۳) واصل گردید . در نامه مزبور اوضاع سخت کنونی ایران را شرح داده و اظهار امیدواری فرموده بودید که دول متحده آمریکا شاید بتواند بایران کمک کند تا ایران

برپاره‌ای از مشکلات خود فائق آید. تأخیری که در عرض جواب پیش آمد بدان سبب بوده است که میخواستیم بامستردالس و مستر هندرسن سفیر کبیر فرصت مشورت داشته باشیم و اکنون که بنوشتن این پاسخ مبادرت میکنیم محرک دوستدار همان روح صداقت دوستانه‌ای است که در نامه خود جنابعالی منعکس می‌بینم.

تاریخ نشان میدهد که حکومت آمریکا و مردم آمریکا همیشه احساسات عمیق دوستی نسبت بایران و مردم ایران داشته و هنوز هم دارند. حکومت آمریکا و مردم آمریکا صمیمانه امیدوارند که ایران بتواند استقلال خود را حفظ کند و مردم ایران نیز بحصول آمال ملی خود کامیاب و نیز موفق شوند ملتی خوشنود و آزاد بوجود آورند که بترقی و پیشرفت و صلح دنیا کمک کند. اولاً بعلمت همان امیدواری بود که حکومت دول متحده آمریکا در طی دو سال از صمیم قلب جد و جهد نمود برای رفع اختلافاتی که بین ایران و کشور متحده انگلستان روی داده و از ملی شدن صنعت نفت ایران ناشی گردیده است مساعدت کند. عقیده دول متحده آمریکا این بوده است که چنانچه قراری در باره غرامت داده شود در سراسر دنیا حس اعتماد و اطمینان باین معنی تقویت خواهد شد که ایران مصمم است کاملاً متمسک باصولی باشد که بموجب آن جامعه باشکوهی از ملل آزاد امکان پذیر گردد و این امر مؤید اعتبار بین‌المللی ایران خواهد بود و سبب خواهد شد پاره‌ای اعضا مالی و اقتصادی که اکنون متوجه ایران است حل شود. چون ایران و کشور متحده انگلستان نتوانسته اند نسبت بغرامت توافقی حاصل نمایند این مسأله حکومت دول متحده آمریکا را از مجاهداتی که برای کمک بایران بعمل آورده باز داشته است. در ممالک متحده آمریکا و حتی در میان آمریکاییانی که نسبت بایران و مردم ایران منتهای همدردی و دوستی دارند این فکرقوت دارد که تا زمانی که ایران نتواند از فروش نفت و محصولات نفتی خود وجوهی بدست آورد و با انعقاد قرارداد معقول و عادلانه‌ای در باره غرامت باردیگر نفت ایران بمقادیر زیادی فروخته شود هرگاه حکومت دول متحده بخواند بمیزان معتنا بهی از طرق اقتصادی بایران کمک کند در حق مؤدیان مالیاتی آمریکا شرط انصاف را رعایت نکرده است. همینطور بسیاری از مردم آمریکا تا وقتی که اختلاف نفت قطع و فصل نگردیده است با خرید نفت ایران از طرف حکومت دول متحده عمقاً مخالفت خواهند کرد. این احساسات نیز در ممالک متحده بمیزان معتنا بهی وجود دارد که هرگاه بناشود صرفاً بر مبنای از دست رفتن دارائی مادی یعنی تأسیسات شرکتی که ملی شده است مسأله پرداخت غرامت حل گردد این ترتیب راه حلی نخواهد بود که بتوان آنرا عادلانه خواند و توافق در باره چنین راه حلی ممکن است اعتماد متقابل ملل آزاد را که باهم ارتباط دوستانه اقتصادی دارند بضعف متمایل سازد. بعلاوه بسیاری از هموطنان دوستدار که از جریانات مربوط باین اختلاف اسف آور آگاهی دارند و اطلاعات لازمه را پیوسته بدست آورده اند معتقدند که نظر با احساسات پر هیجانی که هم در ایران وهم در کشور متحده انگلستان برانگیخته شده است کوششهایی که بوسیله مذاکره مستقیم بمنظور تعیین مبلغ غرامت بعمل آید بیشتر ممکن است بجای ایجاد حسن تفاهم مایه افزایش اصطکاک و اختلاف گردد. عقیده آنها پیوسته چنین بوده است که عملی‌ترین و

منصفانه‌ترین وسیله قطع و فصل مسأله غرامت آنست که این امر به يك هیئت بین‌المللی بیطرفی ارجاع گردد و آن هیئت کلیه دعاوی طرفین را براساس ماهیت دعوی مورد مطالعه قرار دهد. کاملاً توجه دارم باینکه حکومت ایران بایستی خود تشخیص دهد کدام سیاست و روش خارجی و داخلی برای ایران و مردم ایران نافعترین سیاست‌هاست و باین بیان این مطالب سعی ندارم برای حکومت ایران مصلحت‌اندیشی کنم و بگویم چه چیز بیشتر بنفع حکومت ایران است. صرفاً سعی من توضیح این نکته است که باین اوضاع و احوال چرا حکومت دول متحده اکنون در مقام و موقعی نیست که بتواند بیشتر از پیش بایران کمک بکند یا نفت ایران را خریداری نماید. در صورتیکه ایران مایل باشد حکومت دول متحده امیدوار است کمکهای فنی و نظامی خود را براساسی که نظیر کمکهای سال گذشته باشد ادامه دهد. از نگرانی که در نامه آنجناب نسبت باوضاع خطرناک کنونی ایران منعکس است استحضار یافته و صمیمانه امیدوارم تا فرصت باقی و دیر نشده است از طرف حکومت ایران اقداماتی در حدود قدرت خود برای جلوگیری از بدتر شدن وضع کنونی بعمل آید. از آقای نخست وزیر خواهشمندم تجدید احترامات فائقه دوستدار را بپذیرند.

دوایت د. ایزنهاور

مبادله نامه‌های فوق آخرین تلاشی بود که دکتر مصدق برای حل قضیه نفت نمود و بجائی نرسید و پس از آن بر همه کس واضح بود که دولت امریکا از حل قضیه بدست دکتر مصدق کاملاً مأیوس گشته است و در جواب اعلام خطری هم که دکتر مصدق در نامه خود کرده و خواسته بود با امریکا بفهماند که خطر شیوع کومونیزم در ایران افزایش یافته است رئیس جمهور امریکا فقط اظهار امیدواری کرده بود که دولت ایران اقدام مقتضی را خواهد نمود.

بخش پانزدهم - نگرانیهای امریکا

هنگامی که دکتر مصدق و نمایندگان مجلس شورای ملی، که هواخواه او بودند، مشاهده کردند که کارهای دوره هفدهم مجلس فلج شده و اکثریت کاملی موجود نیست که تمام خواسته‌های دولت را مانند دوره قبل انجام دهد و تظاهرات و میتینگ‌ها و پیامهای رادیویی هم تأثیرش را از دست داده است مصمم شدند که دوره هفدهم مجلس شورای ملی را بپایان رسانند و مجلس دیگری انتخاب کنند که منویات آنها را بموقع اجرا گذارد. این بود که روز ۲۴ تیرماه بیست و هفت نفر نمایندگان عضو فراکسیون نهضت ملی دست‌جمعی از وکالت استعفا دادند و در نامه‌ای که بر رئیس مجلس نوشتند چنین گفته بودند:

« چون با کمال تأسف چنانکه سابقاً هم اعلام شده وضع کنونی مجلس شورای ملی مساعد برای ادامه وظیفه نمایندگی نیست ناگزیر ما امضا کنندگان ذیل اعضای فراکسیون نهضت ملی بدینوسیله استعفا خود را از نمایندگی دوره هفدهم مجلس شورای ملی تقدیم میداریم . »

در تعقیب این استعفا ۲۵ نفر دیگر از نمایندگان که عضو فراکسیون نهضت ملی نبودند ولی خود را هواخواه دولت دکتر مصدق دانسته و میخواستند زمینه انتخاب شدن خود را در دوره بعد با مساعدت دولت فراهم سازند مبادرت با استعفا کردند و بدین ترتیب تشکیل جلسات مجلس شورای ملی بواسطه فقدان حدنصاب دیگر میسر نبود .

روز ۳۰ تیر ۱۳۳۲ تظاهرات بزرگ و وسیعی از طرف دسته‌های مختلف پیاد بود قیام ملی سی‌ام تیر ۱۳۳۱ انجام گرفت و تظاهر کنندگان که جمعیت انبوهی را تشکیل میدادند پشتیبانی خود را برای ادامه نهضت ملی و زمامداری دکتر مصدق اعلام داشتند. دکتر مصدق هم بنسبست سی‌ام تیر نطقی از رادیو ایراد و در ضمن آن حملاتی بمخالفین خود نمود و آنها را عده‌ای معدود نفع طلب نامید .

روز پنجم مرداد دکتر مصدق پیامی از رادیو خطاب ب مردم ایران ایراد کرد که قسمتهای مهم آن در زیر نقل میشود :-

« هموطنان عزیز چنانکه عرض شد هر قسمی که تا کنون برداشته شده بعد از مشیت الهی بواسطه اتحاد کلمه و پشتیبانی و حمایت عموم ملت ایران بوده است و هر کس ادعا کند که درین کار سهمی و حقی بیش از دیگران داشته ادعایش باطل و بی اساس است . ما همه درین مبارزه با هم همکاری کرده‌ایم و نتایجی هم که بدست آمده بر اثر همین همکاری متقابل و صمیمانه بوده است . امروز هم اگر بر اثر اغراض خصوصی عده‌ای منحرف شده باشند در صورتیکه ملت ایران با منحرف شدگان همکاری نکند و آنها را از خود براند اقدامات اجانب بجائی نخواهد رسید و دولت ب هدایت ملت بی دغدغه خاطر راه خود را با کمال ثبات و استقامت ادامه خواهد داد . در میان مخالفین امروزی عده قلیلی هستند که در شروع این نهضت از هم مقدمان و همراهان بوده‌اند ولی بعلمتی که ترک ذکر آن اولی است اکنون ملت را در آخرین مراحل پیروزی رها ساخته و در تضعیف دولت و جلوگیری از پیشرفت آمال ملی حتی از مخالفین قدیم هم پیش افتاده‌اند آیا مخالفین فعلی تصور نمیکنند در صورت ادامه این وضع ثمره فداکاریها و جانبازی چندین ساله ملت ایران که اکنون با آخرین مراحل خود نزدیک میشود به بدر رود و لعن و نفرین ابدی برای آنان در تاریخ ایران باقی بماند ؟ در مبارزه‌ای که اکنون در پیش گرفته‌ایم دوره بیشتر وجود ندارد یا مقاومت و پایداری که پایان آن سعادت و استقلال واقعی و عظمت ملت ایران است یا اقیاد و تسلیم که نتیجه اش تنگ و رسوائی ابدی و محرومیت از مزایای حکومت ملی و تحمل مفاسد و مظالم حکومتهای فردی و دیکتاتوری است . هموطنان عزیز - اکنون بیگانگان با تمام قوا میکوشند که در صفوف متحد ملت ایران رخنه کنند . متأسفانه در مجلس شورای ملی هم که حقایق بسیار است بزرگترین مبارزه با اینگونه افکار باشد قانونی برای پیشرفت مقاصد شوم آنها تشکیل شده است . درین مجلس گروهی از مخالفین و ایادی

سیاست بیگانه با بعضی از منحرف شدگان میکوشند که زمام امور را بدست دولتی بدهند که بتوانند مطامع بیگانگان و منافع آنان را تأمین کنند و برای انجام این منظور تریبون مجلس را وسیله برای تبلیغات مضره قرار داده‌اند. با مشکلات فراوانی که در پیش است دولت نمیتواند این کارشکنی‌ها و دسائس را تحمل کند و باین عده مجال دهد که با سرنوشت ملت ایران بازی کرده و مجلس شورای ملی را جولانگاه مقاصد شوم خود قرار داده و عرصه را برا کثرت نمایندگان دلسوز و علاقمند بمصالح کشور تنگ کنند شما همه از جریان کار مجلس شورایی خوب با خبرید و هیچیک از جزئیات آن از نظر شما پوشیده و پنهان نیست. دولت ناچار است صریحاً اعلام کند که با وضع کنونی مجلس امید هیچگونه موفقیتی در مبارزه ملت ایران نیست و ناچار است از شما مردم وطن پرست تقاضا کند عقیده خود را در ابقاء یا انحلال آن صریحاً اظهار کنید . . . این تنها ملت ایران یعنی بوجود آورنده قانون اساسی و مشروطیت و مجلس و دولت است که میتواند درین باره اظهار نظر کند لا غیر. قانونها - مجلس ها - دولتها - همه برای خاطر مردم بوجود آمده‌اند نه مردم بخاطر آنها. وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند میتوانند نظر خود را درباره آن ابراز کنند. در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست. بهمین جهت دولت درین لحظه حساس تاریخی مشکلی را که با آن مواجه شده با ملت در میان میگذارد و راجع باین مجلس از خود مردم سؤال میشود که اگر با ادامه وضع کنونی مجلس تا سپری شدن دوره هفدهم تقنینیه موافقت دارند دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت نقشه و هدف آن موافقت رأی با انحلال آن بدهند تا مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند در تأمین آمال ملت با دولت همکاری کند. »

مخالفین دولت اظهار میداشتند که طبق اصل ۴۸ قانون اساسی حق انحلال مجلس شورایی یا مجلس سنا فقط با پادشاه است و در هر موردی که مجلسین یا یکی از آنها منحل گردد باید در فرمان انحلال علت ذکر شده و امر بتجدید انتخابات نیز بشود بنابراین فرایندم برای انحلال مجلس شورایی يك تجاوز صریحی به حقوق پادشاه و نقض یکی از اصول قانون اساسی میباشد. و نیز میگفتند که استعفای ۵۲ نفر از نمایندگان دوره هفدهم مجلس که عملاً موجب تعطیل مجلس شده بود دلیل موجهی برای دولت است که از رئیس مملکت تقاضای صدور فرمان انحلال مجلس را بنماید. دکتر مصدق استدلال مخالفین را قبول نمیکرد زیرا مدعی بود که اصل ۴۸ قانون اساسی بتصویب مجلس مؤسسان رسیده و تشکیل مجلس مؤسسان را هم قانونی نمیدانست و علاوه برین چنانکه در نطق خود گفته بود اراده ملت را مافوق تمام قوانین میدانست و ادعا میکرد که استفسار از مردم بوسیله فرایندم جنبه قانونی دارد در صورتیکه فرایندم و مراجعہ بآراء عمومی هیچگاه در ایران سابقه نداشته است.

بهر حال دکتر مصدق طبق نظامنامه‌ای که خود وضع کرد در تاریخ ۱۲ مرداد فرایندم را در تهران و در تاریخ ۱۹ مرداد در شهرستانها انجام داد و چنانکه پیش بینی

میشد دسته های موافق دولت بخصوص اعضای حزب توده درین رفتارندم شرکت کرده و انحلال دوره هفدهم مجلس شورایملی را تأیید کردند. مخالفین دولت هم در رفتارندم شرکت نکرده و علیه آن اعلام جرم کردند و بیانیه های متعددی منتشر کرده و رفتارندم را غیرقانونی شناختند.

در خلال این احوال در امریکا نگرانی بسیاری راجع بوضع ایران پیدا شده بود و محافل سیاسی امریکا معتقد شده بودند که نفوذ حزب توده رو بتزاید مییاشد و اگر وضع همین طور ادامه یابد مخاطراتی در پیش است که ایران در پشت پرده آهنین قرار گیرد و ضربت بسیار عظیمی سیاست کلی کشورهای غرب وارد آید. مجله «تایم» در تاریخ ۲۲ تیرماه چنین نوشته بود: «اگرچه دکتر مصدق در مورد انتخاب دکتر معظمی بریاست مجلس پیروزی پارلمانی دیگری تحصیل کرده و رقیب خود کاشانی را شکست داده است معیناً قدرت نخست وزیر بتدریج رو بکاهش میروود و دلایل آن بقرار زیر است: اول آنکه کوشش او برای انجام مسافرت شاه بخارج و بدست گرفتن ارتش و ایجاد دیکتاتوری بدون مخالف، دوم عدم توفیق او در راه درهم شکستن محاصره ای که انگلیسها ایجاد کرده و مانع فروش نفت خام شده اند. سوم تنزل بهای پسل ایران که دو سال پیش ۴۷ ریال و سال گذشته ۷۴ ریال و هفته گذشته ۱۱۸ ریال برابر بایک دلار بود و چهارم رخنه حزب غیرقانونی توده در وزارتخانه ها. هنگامیکه بدکتر مصدق گفته میشود که روش ناسازگار او کشورش را بکومونیزم سوق میدهد وی این اتهام را مسخره کرده و انکار میکند ولی ارباب بصیرت آگاه هستند که رخنه حزب توده در ادارات دولتی باندازه ای پیشرفت کرده است که اکنون در برخی از موارد سیاست دولت را آنها تنظیم میکنند.»

روز ۲۹ ژویه (۷ مرداد) وزیر خارجه امریکا در مصاحبه مطبوعاتی خود چنین گفته بود: «تشدید فعالیت حزب غیرقانونی توده در ایران واغماضی که دولت ایران نسبت بفعالیت حزب مزبور روا میدارد باعث نگرانی امریکا گردیده و موجب شده است که اعطاء کمک از طرف امریکا بایران را مشکلتر سازد.»

روزنامه نیویورک تایمز در سرمقاله چهارم اوت (۱۳ مرداد) خود چنین نوشته بود: «عمل دکتر مصدق نخست وزیر ایران در مراجعه بآراء عمومی و نحوه اجرای رفتارندم از هر حیث با اقدامات هیتلر در آلمان نازی شبیه مییاشد. طرز اجرای رفتارندم مسخره آمیز بوده و نه تنها رعایت اصل اخذ رأی سری نشد بلکه در خیابانهای که بمحل رأی مخالفین با انحلال مجلس منتهی میگردد بد نوشته شده بود آنهایی که درین محل رأی میدهند خائنین بوطن هستند.»

در تاریخ ۶ اوت (۱۵ مرداد) ایزنهاور رئیس جمهور امریکا در کنفرانس مطبوعاتی خود چنین گفته بود: -

«توسعه نفوذ کومونیزم در آسیا موجب نگرانی بسیار است و این امر برای امریکا عاقبت شومی را در بر خواهد داشت. صبح امروز در روزنامه ها خواننده اید که دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران سرانجام توانست خود را از زیر بار انتقادات

مجلس ایران خلاص کند و آنرا منحل ساخت ولی البته برای رسیدن بمقصود از کومونیستها مدد گرفت. رئیس جمهور گفت لازم است دولت امریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کومونیزم در کشورهای آسیا منجمله ایران اقدامات لازم بعمل آورد وهم اکنون تصمیماتی برای انجام این کار اتخاذ شده است. دیربازود راه توسعه کومونیزم را باید در آسیا محدود کرد وما مصمم باین کارهستیم. >

روز نهم اوت (۱۸ مرداد) مجله نیوزویک چاپ امریکا چنین نوشته بود: >
> حزب توده ایران بتدریج موقعیت خاصی پیدا میکند. تظاهرات منظم افراد این حزب در روزهای ام تیر که در آن بین ۳۵ تا ۵۰ هزار نفر شرکت کردند و شماره آنها از تظاهرکنندگان دیگر که طرفدار دولت بودند فزونی داشت نشانه قوت گرفتن کومونیست ها در ایران میباشد. این حوادث نشان میدهد که ممکن است دکتر مصدق نخست وزیر ایران بزودی یا کومونیستها را در اداره امور دولتی شرکت دهد و یاد مقابل آنها باشکست مواجه شود. یکی از هدفهای حزب توده از بین بردن نفوذ غرب در این کشور میباشد. این حزب مایل است شاه که یک قدرت معنوی در ایران بشمار میرود و از قرنهای پیش وجودش جزء سنن این کشور بوده از کار برکنار شود. روی کار آمدن ناگهانی دکتر مصدق در آوریل ۱۹۵۱ در واقع فرصتی برای حزب توده بود که نظیر آن کمتر ممکن بود اتفاق بیفتد. ناسیونالیزم ضد انگلیسی دکتر مصدق و حملات او علیه استعمارگران خارجی بابرنامه کومونیستهای ایران مطابقت داشت. صرف نظر از اینکه مصدق با حزب توده موافق یا مخالف باشد این حزب از وی پشتیبانی کرد ولی ضمناً حق انتقاد از وی را نیز برای خود محفوظ نگاهداشت. حزب توده از جمله شدید بد کتر مصدق خودداری کرده است زیرا سیاست دکتر مصدق موجب شدت و خامت زمینه برای پیشرفت کومونیزم خواهد بود. مصدق چندین بار در لحظات بحرانی پشتیبانی حزب توده را مورد قبول قرارداد و البته حزب توده نیز از این موفقیتها جدا کتر استفاده را کرده است. نامه مورخ ۲۹ ژوئن ایزنهاور بمصدق بوی ثابت کرد که دیگر بکمک امریکا نمیتواند پشت گرم باشد. هندرسن سفیر کبیر امریکا در ایران هنوز در خارج کشور بسر میرود. دکتر مصدق که مصمم است همچنان بر سر کار بماند اجباراً بطرف اتحاد با حزب توده کشانده میشود. دکتر مصدق میتواند از قانونی شناختن حزب توده خودداری کند ولی فشار روز افزون این حزب و مخالفت مداوم با برسمیت شناختن آن ممکن است سبب شود که کومونیستها در ایران بزور متوسل شوند و در اینصورت اغتشاشاتی بروز خواهد کرد. <

در اوایل مرداد ۱۳۳۲ مملکت از هر جهت وضع غیرعادی پیدا کرده بود چون دکتر مصدق و طرفدارانش بخوبی احساس میکردند که از پشتیبانی دول غربی محروم گشته اند و از طرف دیگر هم چون افکار و تمایلات عمومی مردم سازش با عقاید افراطی چپ نداشت توجه بآن سیاست هم بواسطه مخالفت شدید افکار عمومی بی نتیجه بنظر میرسید. مجلسی هم وجود نداشت که تاحدی نقطه اتکاء دولت باشد تا در این موقع بحرانی برای بهبود اوضاع قدمی بردارد. خلاصه روش رئیس دولت که بتدریج از اوایل سال ۱۳۳۲ شدت یافته بود و فعالیت جدی مخالفین برای سقوط دولت که آشکار و پنهان انجام

میگرفت موجب شد که هر کس و همه کس منتظر حوادث و تحول جدیدی باشد و بالاخره شب ۲۵ مرداد طلوع این تحول پدیدار گردید باین قسم که فرمان عزل نخست وزیری دکتر مصدق توسط رئیس گارد شاهنشاهی بوی تسلیم گشت و در همان موقع وزیر خارجه و وزیر راه دولت وقت و همچنین معاون ستاد ارتش از طرف نظامیان دستگیر شدند .

صبح روز ۲۵ دولت اعلامیه ای صادر کرد که شب گذشته يك کودتای نظامی بوسیله افسران گارد شاهنشاهی در تهران واقع شد ولی بی نتیجه ماند و همانوقت گارد شاهنشاهی خلع سلاح شده و وزیران خارجه و راه و معاون ستاد ارتش که در بازداشت بودند آزاد شدند و سپس خبر رسید که شاهنشاه و ملکه از رامسر با هواپیما عازم بغداد گشتند . از صبح ۲۵ تا صبح ۲۸ مرداد اوضاع تهران و بسیاری از شهرستانها غیر عادی بود باین معنی که طرفداران دکتر مصدق با انجام پاره ای تظاهرات بمخالفین دولت سخت میخواستند و بیش از همه توده ایها میدان دار شده بودند و علناً از تغییر رژیم سخن میراندند . عمال و مأمورین دولت هم نه تنها باین گونه تظاهرات اعتراضی نداشتند بلکه بعضی از اعضای کابینه دکتر مصدق و پیشوایان جنبه ملی آشکارا از آن نظریات طرفداری میکردند چنانکه همان اشخاص روز ۲۵ مرداد در میدان بهارستان میتینگ بزرگی دادند و علاوه بر تأیید حکومت مصدق نظریات افراطیون را هم کم و بیش تأیید نمودند .

روز ۲۶ مرداد سفیر امریکا که مدتی از تهران غایب و در امریکا و اروپا بسر میبرد بتهران مراجعت کرده و روز ۲۷ مرداد بملاقات دکتر مصدق رفته و عواقب خطرناک ناشی از فعالیت افراطیون چپ را باو گوشزد نمود . روز ۲۶ و ۲۷ عده ای از کسانی که متهم بدخالت در کودتای نظامی بودند بازداشت شدند و فرماندار نظامی اعلام داشت که صد هزار ریال جایزه بکسی داده میشود که از محل سکونت سرلشگر زاهدی اطلاعی بفرمانداری بدهد . روز ۲۷ مرداد هم وضع بهمین منوال گذشت و تظاهرات طرفداران دکتر مصدق ادامه یافت و هیجان و نگرانی در همه جا حکمفرما بود .

صبح روز ۲۸ مرداد وضع بطور ناگهانی تغییر کرد و قوای انتظامی که تا آنوقت تماشایی و بیطرف و بلکه مطیع دولت وقت بودند تغییر مسیر داده بمخالفین دولت پیوستند و دسته های مخالفین دکتر مصدق که شاید از تعرض مأمورین انتظامی اندیشه میکردند همینکه آنها را همراه دیدند بصورت متشکل درآمدند و برای سرکوب ساختن طرفداران عقاید افراطی جنبه تهاجم بخود گرفتند در صورتیکه تا آن ساعت وضع دفاعی هم نداشتند .

از ظهر روز ۲۸ مرداد کار تظاهر مخالفین و موافقین بزد و خورد انجامید . مخالفین دولت بخانه دکتر مصدق حمله آوردند و چون در آنجا با مقاومت مستحفظین نظامی مواجه گشتند چند ساعتی زدو خورد ادامه یافت تا سرانجام دکتر مصدق سنگر را تخلیه کرد و از خانه خود خارج شد . در همان گیرودار نخست وزیری سرلشگر فضل الله زاهدی اعلام شد و معلوم شد که فرمان انتصاب او چند روز پیش صادر شده بود و از آن تاریخ سرلشگر زاهدی زمام امور را بدست گرفت .

این بود جریان مختصر سه روز پر حادثه که برای اطلاع از جزئیات آن خوانندگان را بجزایده وقت حواله میدهیم .

جلد دوم

در اینجا مطالب جلد اول این کتاب بیان می‌رسد که قسمت‌های اول آن حاوی اطلاعات کلی راجع بنفت و بقیه آن داستان نفت ایران و شرح موجباتی بود که منتهی بملی شدن نفت گردید و قضیه نفت را تا بوضع حاضر کشانید و نتیجه کنونی را بار آورد.

خشنود هستیم که جلد اول را تا آنجا که ممکن بود با نشر حقایق یعنی مطالبی که برای نسل حاضر و آینده سودمند باشد باطلاع خوانندگان رساندم و آنچه را که سال‌های متمادی گفتنش برای نویسنده مقدور نبود اکنون بیان کردم و وعده میدهم که از اولین فرصت و امکان استفاده نموده اساسی را که باین نظر حقوقی پی‌ریزی نمودم با انتشار جلد دوم که عبارت از تجزیه و تحلیل قرارداد با کنسورسیوم و عملیات شرکت ملی نفت و آینده نفت ایران است تکمیل کنم.

تصور می‌رود بکار بردن عبارت «تجزیه و تحلیل» در مورد قرارداد کنسورسیوم از عبارات بمورد باشد زیرا با کمال تأسف متن قرارداد بقدری پیچیده تنظیم شده که برای فهم اشخاص عادی محتاج بتجزیه و تحلیل اشخاص وارد اهل فن میباشد و امید است که توفیق این خدمتگزاری را در موقع مناسب دریابم.

تهران - فروردین ماه ۱۳۳۵* خورشیدی

فهرست نامها

نام‌هایی مانند ایران و آمریکا و انگلستان و روسیه و دکتر مصدق و آبادان که بکرات در متن کتاب آمده در فهرست زیر ذکر نشده است .

صفحه	نام	صفحه	نام
۵۷۱/۶۳۲	اچسن		حرف آ
۳۲	ادمونتون	۸	آتن
۳۰۸	اراک	۳۵/۶۰/۷۴/۱۶۱/۱۶۲	آرژانتین
۷	اران	۲۴۱	آرشمیدس
۴۸۷/۴۸۹	ارانی - دکتر	۴۰	آسام
۸	اردریکا	۴۸۸	آقا بکوف - ژرژ
۱۱	ارجان	۳۲	آلاسکا
۴۸/۷۸/۲۰۰/۲۰۶	اردن	۵۱/۶۱	آلبانی
۱۱/۲۱۷	ارسطو	۱۴/۳۲	آلبرتا
۲۵۲	ارگی روبرلو - مسیو	۱۲	آلزاس
۳۳۱	ارمنستان	۱۳۶	آلوارو - اوبرگون
۷۴	اسپانی	۹	آمیانوس - مارسلینوس
۴۹۲	اسینس - کارول	۱۴۴	آناتولی
۳۴۱	اسپنسر - هرولد	۳۴۱	آنکارا
۳۵۲/۳۶۱/۳۶۲/۳۶۸	استالین	۳۵۵	آهی - مجید
۳۶۹/۳۷۰/۳۷۲/۳۷۳		۲۳۱/۶۳۶/۶۴۱	آیزنهاور
۳۷۵/۴۶۵/۴۹۴		۶۴۷/۶۴۸/۶۵۶/۶۵۹/۶۶۲	
۱۴۵/۱۴۶/۳۴۱/۴۵۹	استانبول	۲۳۲	آینشتاین
۴۰	استاندارد وا کوم	صفحه	حرف الف
۳۱۳/۳۶۴/۳۶۵	استت تینوس - ادوارد	۴۴/۱۸۷/۲۰۲/۲۰۴	ابقیق
۳۲۸/۳۳۳/۳۳۶/۳۳۸	استرآباد	۱۰	ابن البلخی
۱۱	استرابو		ابن سعود - عبدالعزیز
۳۲۳	استراتکونا - بانو	۱۸۵/۱۸۶/۱۹۳/۳۹۷	ابوحدریه
	استراتکونا - لرد	۴۴	ابوظبئی
۲۵۷/۲۵۹/۲۷۸/۴۴۷		۱۹۸	ایسکوروس
۳۷/۴۰/۷۴/۱۳۱/۲۲۹	استرالیا	۲۱۷	ایم - شرکت
۲۳۵/۲۵۱/۳۱۰		۶۴۶	اتریش
۲۵۳	استریتز	۵۱/۶۱	اتلی
۲۲۰	استرمر - کارول	۳۹۶	ایئر
		۱۹۷	

١٩٤	المنيا عبدالله	٤٨١	استروسكى
٤٢	الوند - پالایشگاه	٥٥٤/٥٥٦/٥٦٠	استرکس - ریچارد
١٧٤	الوند - رود	٥٦٢/٥٦٣/٥٦٤	
١٣٦	الیاس	٤٣/٤٨/٧٤/١٦٠/١٦٨	اسرائیل
٤٦/١٩٦	ام سعید	١٧٨/١٩٩	
٣٩١	امامی - نظام الدین	١٥	اسکاتلند
٥٠	امبا	٨	اسکندر
١٤٤/١٤٥/١٤٦/	امیر اتوری عثمانی	٢٦٢	اسکویت
١٧٣/١٧٤/١٨٥/		٢٦٣	اسلید ذریادار
١٩٥/٢٥٥/٢٧٢/		٢٧٥/٢٧٧/٢٧٨/٢٨٥	اسمیت - ارمیتاز
٣٤٧	امیر منظم - قفقازی	٥٤٥	اسمیت - کینگز بوری
٢٤٨/٢٥٢/٢٥٣/	امین السلطان	١١	اسیره
٢٥٤/٢٧٠		١١	اشروسنه
٢٤٧	امین الملك - پاشا خان	١٣	اشیگو
٣٤٦	امین معادن - عبدالحسین	٤٨	اصل
	امین معادن - حاج علی اکبر	٢٠٤/٤٩٧	اصل چهار - اداره
٣٤٤/٣٤٥/٣٤٦		٢٤٧	اعتضاد السلطنه
٦٥٤	امینی - ابوالقاسم	٦٥٤	افشار طوس - سرتیب
٢٣٥	انارک	٥٠/٢٩٨/٣٤٣/٤٥٩	افغانستان
٢٩٢/٦٠٥	انتظام - نصر الله	٣٩١	اقبال - دکتر
٣٧/٣٨/٣٩/٤٤/	اندونزی	٧	اکدیپا
٥٥/٦٠/٧٣/١٠٧/		٨	اکباتان
١٣١/١٥٥/١٨٥/٣١٦		٤٠	اکسموت - خلیج
٢٨٥	اندمشک	٣٦/٦٠/٩٦	اکوادور
٢٢٣	اوتوهان	٤٤/١٨٥/١٨٦	الاحساء
٤٩/٥٠	اورال	١٩٥	الجاسم الثانی - شیخ عبدالله
٣٤٣	اوردیب	٥٢/١٤٨/٢٤٢	الجزیره
٤٩	اویفا	٤٣/١٨٢	الرمیله
١٨/٩٢/٣٣٧	اوکلاهوما	١٨٢	القصر
٢٨	اوهایو	٤٢٦/٤٢٧	الکینگتن
٨٤/٢٥٧/٢٥٨/٢٧٢/٣١٨	اهواز	٧٨	الگنی - جبال
٤٢٣/٤٢٧		٣٨٠	الن - ژرژ
٥١/٦١/٧٢/٨٢/١٠١/	ایتالیا	٩	المعمد
١٢٦/١٥٢/٢٠٤/٣١٤/		٤١/١٩١	المنأ الاحمدی
٣١٧/٣٥١/٦٤٦/٦٤٧		١٩٤	المنأ سعود
٦٤٧	ایدمیتسو - شرکت		

۴۳/۴۴/۴۵/۶۰/۷۳/	بهرین	۳۱۶/۳۶۳/۳۶۵//	ایدن- سرانتونی
۱۲۵/۱۶۰/۱۶۷/۱۶۸/		۴۶۲/۴۶۴/۴۶۶/۵۴۲/	
۱۸۳/۱۸۵/۱۹۵/۲۰۴/		۵۴۳/۵۷۷/۵۸۶/۵۸۸/۶۲۵	
۲۰۶/۲۱۰/۳۵۹/۵۵۰		۳۴۳	ایرافشان
۱۱	بخارا	۴۰	ایراوادی
۶	بخت النصر	۴۸۶	ایر کوتسک
۶۵۴	بختیار- ابوالقاسم	۳۴۱	ایلری - روزنامه
۱۱	بدیه آبی	۳۵۹	ایکس - مستر
۱۱	بدیه صاهک	۱۳	ایمبرت
۳۶/۳۷/۶۰/۷۴	برزیل	۳۳۹/۳۴۰/۳۴۱	ایمبری - ماژور
۴۶/۱۹۰/۲۰۲	برقن	۳۰۰	اینچبالد
۲۵۲	برلز- مستر		حرف ب
۳۵۱	برلن	۴۳/۱۷۶	باباگرگر
۱۳/۴۰/۶۰/۳۱۶	برمه	۶/۷	بابل
۶۳۸	برمینگهام پست	۱۴۶	بابینگتن اسمیت - سر
۳۷/۳۸/۳۹/۶۰/۷۴/۱۰۸	برنتو	۴۸	باتمن
۳۶۸/۳۷۳/۳۷۴/۴۹۹	برنز-جیمز	۱۰/۱۱/۱۸/۲۷/۴۹/۱۲۲/	بادکوبه
۳۰۸	بروجرد	۱۴۵/۱۵۱/۱۵۲/۳۵۲/۳۶۹	
۱۴۶	بروس کلاسگو - دکتر	۳۴	بارکو - معادن
۴۵	بروسترچنینگ - مستر	۵۲۸	بازرگان- مهندس
۳۵۷	بروستر- سناتور	۴۹۲	باسکرویل
۳۲	بریش کولومبیا	۲۷۲	باقر - حاج سید
۳۴۴/۳۴۶	بسظام	۲۰۳/۵۰۳/۵۸۴/	بانک بین المللی
۴۳/۱۵۱/۱۷۹/۱۸۹/	بصره	۵۸۵/۵۸۶/۵۸۷/۵۸۸/	
۲۰۲/۲۵۵/۲۷۲/۴۰۷		۵۸۹/۵۹۰/۵۹۱/۵۹۲/	
۱۸۲	بطمه - معدن	۲۹۲	بانک ملی ایران
۱۴۴/۱۷۷/۱۸۱/۱۸۹/۲۵۵	بغداد	۱۸۱	بانک ملی عراق
۵۱۸/۵۹۴/۶۵۰/۶۵۱	بقافی- دکتر	۳۳۶	بانک مورگان
۶۵۴/۶۵۵		۳۴۵/۳۴۶	بانکی- حاج محمدصادق
۵۹۳	بکت - سراریک	۳۴۴	بانوی عظمی
۵۸۶	بلاک- یوجن	۱۲	باواریا
۷	بلخ	۳۱۰	باورده
۷۴/۲۲۷/۲۳۳/۳۵۱	بلژیک	۶	بحرالمیت
۳۵۲	بلغارستان		

١٤	پارسنز	٤١/٤٧٤	بلوچستان
	پاریس	٤٩٢	بنجامین - مستر
١٥٢/٢٠٣/٢٥٠/٢٩٠/٣٤١/٣٤٨		٤٣/١٧٩/٢٠٠	بندر بانیاں
٤١/١٠/٣٢٠	بازنون	٣٤٢	بندر شاه
٤٨	پاسفیک	٢٣	بندر عباس
٢٧٩	پاکروان	٢٣	بندر لنگہ
٤١/٦٠/١٧٠/١٧٢/٢٠٤	پاکستان	٣١٠/٣٢٠/٣٢١	بندر معشور
١٢	پالما	٢٩٢	بنش - دکترا دوارد
١٧٠	پالی ویلیام	١٢	بوخارست
٨١/٨٢/١٤٣	پاناما	٢١٨	بور - نیلز
٩	پترا	٤٤٣	بوریسف
٢٥٦/٢٥٧/٢٦٦	پرتی من - مستر	١٩٨	بوریمی
١٤/-٥/٣٦/٦٠/٧٤/١٦٠	پرو	١٦١	بوسفور
٥٨٦/٥٨٩/٥٩١	پرودم	٢٤٨/٢٧٥/٢٨٠	بوشهر
٩	پرو کو پیوس	٢٤١	بوفون
٢٨٠	پشتکوه		بولارد - سر ریڈر
١٢/٥٢	پشلیرون	٣٧١/٤٧٣/٤٦٤/٤٧٤/٤٧٥	
٨	پلو تارک	٧٤٦/٤٧٧	
١٣٦	پلو تارکو	٣٥/٣٧/٦٠	بولیوی
١١	پلیٹی	٣٧٠/٤٠٣/٤١٧/٤٣٨	بوین - ارنست
٤١	پنجاب	٣٤٣	به آباد
١٤/١٦/١٨/٧٨	پنسیلوانیا	٣٩٩	بہیمان
١٦٦	یوٹر تولا کروڑ - بندر	١١	بیات
٣١	پوار تو مکزیکو	٤٣٧/٥٧٠/٦٠٤	بیات - مرتضیٰ قلی
٣٠/٣١	پوزاریکا - معادن	٥٢٨	بیات - مهندس
١٨	پیتر بورگ	٤٣/١٨٢	بیر حسن
٢٨٠	پیر گاہ	٢٦٣/٢٨٢	بیر میگہام
٣٩٠/٣٩١/٤٣٧	پیر نیا - دکترا حسین	٢٠٠	بیروت
٢٥٤/٢٧٧/٣٣١	پیر نیا - مشیر الدولہ	٦/٩	بیزانس
٢٥٤	پیر نیا - مؤتمن الملک	١٥/١٦	بیسل
٣٦٥/٣٧٩/٤٨٠	پیشہ وری - جعفر	٢٩٧	بیسمارک
٤٨٧/٤٨٩		٦	بیلی - پروفیسور
٥١٨	پین کرتن - مستر	٣٢٩/٣٢٠	بی کی ٹی
	حرف ت		حرف پ
٥٠	تاتارستان	٣٩	پاپوا
٣٨	تارانگان - جزیرہ	٥٢	پارانٹیس

١٤٢	تی نی کو - ژنرال	١٠٣	تار بل ایذا
	حرف ج	٤٨٦	تاشکند
٢٩٧،٣٠٠،٣١٣،٤٢٥	چاکس	٣٠،١٣٥	تامپیکو
٥٢٨	چاکسن	٢٠	تخت جمشید
٤٣،١٨٢	چامبور	٨	تخت سلیمان
٣٨،١٠٧	چاوه	٤٨،٦٠،١٤٤،١٤٥،١٤٦	ترکیه
١٦١،١٨٦،١٩٤،٢٠٨	چده	١٤٧،١٤٨،١٥٠،١٦٠،١٦٧	
٧٣	جزایر هند غربی	١٦٨،١٧٥،١٧٦،١٨٩،٣٤١	
٤٧	جسه	٤٦٤	
٣٤٣	جندق	٣١	ترنرولی
١١٣	چینسنگ - پروستر	٢٤٢	ترومب - فلیکس
٢٤٣	چورجیا	٤٨٢	ترویانوسکی
٦٢٢،٦٢٣	چونز - التون		ترومن - هاری
٤٣٨	چونز - چک	١٧٠،١٧١،٣٥٧،٣٧٥،٤٩٨	
٣٨٦،٣٩٠،٣٩١	چبانهگیر - نصرالله	٥٢٧،٥٤٧،٥٧١،٦١٢،٦٣٢،٦٤٨	
٨١	چیکوب - جان	١٧٩	تریپولی - بندر
	حرف چ	١٤،٣٥،٥٩،٧٤،٢٨٢	تری نیداد - جزیره
٢٥٥	چاه سرخ		تقی زاده - سید حسن
٢٢٢،٢٢٦	چدویک - سرجمز	٢٧١،٢٩٢،٢٩٥،٢٩٨	
٢٦٢،٢٦٣،٢٦٤	چرچیل - سروینستن	٢٩٩،٣٠٠،٣٠١،٣٠٢	
٢٦٥،٢٦٦،٣٥٢،٣٦٢		٢٨،٣٠،١٦٦	تکساس
٣٦٣،٣٦٨،٤٦٢،٤٦٥		٢٤٧	تلوزان - دکتر
٤٩٣،٤٠٤،٥٠٢،٥٧٧		٢٨٠	تماهه
٥٨٦،٥٨٧،٥٩٥،٦١٢		٢٦٠	تمبی
٦٣٢		٦٨	تنسی
١٤٦،١٤٧	چستر - دریادار	٣٢٦	تسکابن
٥٢،٦١،٢٣٥،٢٩٢	چک اسلواکی		تورنبرگ - ماکس
٣١٩،٣٥١		٣٩٤،٥٠٤،٥٠٥،٥٠٧	
٢٨٠	چلینگر	١٣	توماس - شرلی
١٣،٣٧،٤٠،٥٩،٦١،٢٣٩	چین	١٤٨	تونس
	حرف ح	١٨٥،١٨٦	تویچل - کارول
٦٥٠،٦٥١	حائری زاده	٣٤٤	تهرانی - حاج علی اصغر
٣٤٧	حاجی آباد - سمنان	١٦	تی تسویل
١٢١	حیشه	٢٨٥،٢٨٧،٢٩٠	تیمور تاش - عبدالحسین
١٩٧	حجاز	٢٩٧/٢٩٨/٢٩٩/٣٤٧	

دارسی - ویلیام	٤٥٠١٨٧	حرض
١٧٣٠٢٥٠٠٢٥١٠٢٥٢٠٢٥٣	٢٩٩	حزب ایران نو
٢٥٤٠٢٥٥٠٢٥٦٠٢٥٧٠٢٥٩	٥٥٦٠٥٨٥٠٥٨٦٠٥٩٤	حسیبی - مهندس
٢٦٥٠٢٦٨٠٢٨٥٠٢٨٦٠٢٨٩	١٩٨	حضر موت
٢٩٢٠٢٩٣٠٢٩٤٠٢٩٥٠٢٩٧	٣٤٦	حکمت - مشارالدوله
٣٠٦٠٣٠٧٠٣٣٣	٣٦٥٠٣٧١٠٣٨٦٠٣٨٧	حکیمی - ابراهیم
١٥	١٤٧	حلیم پاشا
داروین	١١	حمدالله مستوفی قزوینی
داغستان	٣٤٥٠٣٤٧	حمزوی - آقامیر
دال پری	١٧٩	حمس
دالتن	٤٢٠٤٣٠١٧٨٠١٩٩٠٢٠٠٢١١	حیفا
دالس		حرف خ
دالکی	٤٢٠١٥١٠١٧٤	خانقین
دامغان	٢٣٣٠٣٣٤٠٣٣٦٠٣٤٧٠٣٧٣	خراسان
دانمارک	٣٤٦	خرقانی - حاج سیداسدالله
داور - علی اکبر	٢٨٥٠٢٨٦٠٣٠٨	خرم آباد
٣٠٠٠٣٨٦٠٤٣١	٢٦٠٠٤٠٧	خرمشهر
دبیرالملک - حسین	٢٦١٠٢٧٢٠	خرعل - شیخ
دتر دینک	٢٧٥٠٢٨٢٠٤٢٥	خسرو آباد
١٠٧٠١٣١٠١٣٢٠	٣١٠	خلیج فارس
١٤٥٠٢٥٠٠٢٦٣	٤٤٠٤٥٠٤٦٠١٢٥٠١٢٦	١٦٩٠١٧٩٠١٩٦٠٢٠٨٠٢٣٥
١٧٤	٣٤٢٠٣٥٢٠٣٦٤٠٤٥٨	خلیج مکزیک
دجله	١٢٥٠١٢٦٠١٦٧	خلمتبری - سپهسالار
دخان	٣٢٦٠٣٢٧٠٣٢٨٠٣٣١	خوریان
دربند	٣٤٤٠٣٤٥٠٣٤٦٠٣٤٨٠٣٥٥	خوزستان
درخزینہ	٢٦٠٠٢٧٣٠٢٨٠٠٣٢١٠٤٢٣	٢٦٠٠٢٦٦٠٢٧٢٠٢٧٩٠٢٨٥
دریای خزر	٣٢٦٠٣٢٧٠٣٣١٠٣٣٣	خوششاریا
دریای سرخ	٣٣٩٠٣٤٥٠٣٤٧	٢٦٥
دریفوس	٢٦٥	خیابانی
دریک - سرهنک	٢٧١٠٢٧٢	خیاط باشی
دریک - مستر		حرف د
دشتی - علی	١٣	داربی شیر - استان
دفتری - دکتر متین	٣٥٢	دارداندل
٥٥٠٠٥٥٦٠٥٧٠٠٦٠٨	٢٦٠	دارخوین
دلور - استان		
دما		
دمان		
دمو کرتیوس		
دوبی		

۴۸	رمان داغ	۷	دورم - مسیو
۴۱	روال بندی	۳۴	دومارس - معادن
۴۸۴	روتشتاین	۲۵۰، ۲۵۱	دومرگان
۱۰۸، ۱۳۱	روچیلد	۲۵۱	دوشیر - استان
۲۹۱	روحی	۱۹۵، ۱۹۶	دوها
۲۳۵	رودزیا	۳۳۸	دوهنی
۶۴۱، ۶۴۶	روزماری	۴۰۴	دهقان - احمد
۳۵۲، ۳۵۸، ۳۶۲، ۳۶۳،	روزولت	۲۸۰	دهلران
۳۶۸، ۴۹۴، ۵۹۲		۱۳۴	دیاز
۳۹۹	روسو	۲۲	دیزل
۵۹۳، ۵۹۵	رولن - هانری	۳۴	دیفی سیل
۲۰	روم	۱۰	دیلمستان
۱۲، ۱۵، ۱۹، ۵۰، ۵۱، ۶۱، ۱۱۴	رومانی	۶۳۹	دیلی تلگراف
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۸، ۳۵۱		۲۲	دیملر
۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸	رویتز - جولیس	۲۹۲	دیوان داوری
۱۶۱، ۱۹۴، ۲۰۸	ریاض	۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۷	دیوان دادگستری
۵۸۶	ریبر - تورکیلد	۵۴۸، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴	
۱۳۷	ری پی	۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶	
۳۴۳	ریشم	۶۲۱، ۶۲۶، ۶۲۸، ۶۲۴	
۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸	رینولدز	۶۳۳، ۶۴۱، ۶۴۲	
	حرف ز		حرف ر
۴۰۳، ۶۰۵، ۶۴۸،	زاهدی - فضل الله	۴۳، ۴۵، ۱۸۷، ۵۵۱	رأس التنورة
۶۵۴		۴۷	رأس غارب
۴۲، ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۰۹	زبیر	۴۸	رأی مطرمه
۸۰	زرتشت	۴۸۱	رادك - كارل
۲۵۳	زرگنده	۳۵۳، ۳۵۴	رادمنش - دكتر رضا
۳۴۷	زکاکلین	۱۰۳، ۱۰۵، ۲۵۰	را كفلر
۳۷، ۱۸۳، ۲۱۸	زلاند جدید	۲۵۷، ۲۶۹	رامهرمز
۲۸۰	زلای	۲۱۸، ۲۲۲	رتفورڈ
۸	زنجان	۳۵۶، ۳۵۷	رحیمیان - غلامحسین
۲۹۹	زندیه	۳۲	ردواتر
۳۶	زوریتوس	۴۰۴، ۴۹۹، ۵۰۳	رزم آرا - علی
۵۴۶	زونکا - کنت دولا	۵۰۵، ۵۵۴	
۲۵۰	زیشکا - انتون		
۲۲	زیکفرید - مارکوس		
۴۸۱، ۴۸۳	زینوویف - گریگوری		رضاشاه ۲۸۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۴۲، ۴۶۹

۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۶	سلطان زاده	حرف ژ	
۱۴۴	سلطان عبدالحمید	ژاپون	۱۳، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۳،
۵۹۳	سلوژنی - مارسل		۸۲، ۱۴۹، ۱۹۴، ۲۲۷، ۳۱۶،
۴۸۷، ۴۸۹	سلیمان میرزا		۳۵۱، ۳۵۲، ۳۶۲، ۴۶۷
۵۰	سمرقند	ژن	۱۲، ۱۵۲
۴۲، ۱۷۳، ۲۴۹، ۳۴۴	سمنان	ژنو	۲۹۲، ۲۹۶
۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۵، ۳۷۲		ژولین	۹
۵۲	سنت مارسه	ژیدل - پروفیسور	۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱
۵۵۶	سنجایی - دکتر		۳۹۹، ۵۰۸
۵۴۲، ۵۴۴	سندیز - مستر	حرف س	
۲۵۷، ۲۵۸	سندیکی امتیازات	ساخالین	۱۳، ۴۰، ۵۰، ۵۷، ۳۳۷، ۳۵۲
۱۸۳	سندیکی شرقی و عمومی	سادچیکف	۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۲، ۵۲۰
۲۰۱	سندیکی نفت مصر	ساردین	۲۷۱
۲۸۳	سن رمو	سارنیا	۳۲
۴۵	سن فرانسیسکو	سازانوف	۳۲۶
۷۴، ۸۲	سوتند	سازمان بین‌المللی کار	۴۴۳
۴۶، ۴۷، ۲۰۱	سوئز - کانال	سازمان کشاورزی و خوراک	۲۰۳
۴۱	سوئی	سازمان ملل متحد	۳۷۳، ۳۷۶، ۳۸۰
۳۲	سویریور	ساعد - محمد	۳۵۴، ۳۵۵، ۳۸۸، ۳۹۱
۶۴۶، ۶۴۷	سوپور - شرکت		۳۹۹، ۴۰۱
۴۳، ۴۸، ۷۸، ۱۱۸، ۱۴۴، ۱۴۸	سوریه	سالسومگیور	۱۱
۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۹، ۳۱۵		ساموئل - مارکوس	۱۰۷، ۱۰۹
۴۵	سو کونی و اکیوم	سایکس - سرپرسی	۲۴۶
۳۸، ۱۰۷، ۱۸۵	سوماترا	سبزوار	۳۴۴، ۳۴۶
۶	سومریان	سپتیموس سوروس	۱۱
۱۲، ۳۱۹	سویس	سپهسالار اعظم	۲۴۵
۴۸	سیدر	ستره	۴۴
۱۱، ۵۱، ۳۱۷	سیسیل - جزیره	ستوده - حاج میرزا علی اکبر	
۱۵، ۱۶	سیلی من		۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷
۳۳۹، ۳۴۰	سیمور	سرام	۳۸
۴۸، ۲۰۱	سینا	سردار اسعد	۲۸۶
۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۱	سینکدر	سرنفتک	۲۸۰
۱۰	سینیز	سریا	۳۹
	حرف ش	سزچوان	۱۳
۶۴۶	شاخه - دکتر	سعدالدوله	۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲
۴۸۶	شارقی	سعدی	۱۰

۲۸۳	شرکت کانال سوئز	۲۸۰	شاه آباد
۱۵۷	شرکت کراول	۹	شاهپور دوم
۱۹۹	شرکت لاپیدوت	۳۳۴،۳۴۶،۳۷۳	شاهرود
۳۴۳	شرکت لوله نفت ایران	۵۱۸،۵۵۶،۵۷۰،	شایگان - دکتر
	شرکت مختلط نفت ایران و شوروی	۵۸۵،۵۹۴	
۳۷۸،۳۸۱		۱۱	شیانکاره
	شرکت مستقل نفت امریکائی	۴۰۷،۵۶۴،۵۶۶	شپرد - سرفرانسیس
۴۷،۱۹۳،۵۰۱		۱۹۸	شرجه
۴۹۵	شرکت مشاورین ماوراء بحار	۱۱۵،۳۵۳،	شرکت استاندارد اوکیوم
۳۴۸	شرکت مطالعات ایران و فرانسه	۳۵۴	
۲۴۹	شرکت معادن ایزان	۲۷۹،۴۲۴،	شرکت استریک اسکات
	شرکت معادن نفت کنترل	۴۲۹	
۱۴۲	شده بریتانیا		شرکت الگمین اکیپلوراتی ماچاپیچ
	شرکت ملی نفت ایران	۳۴۳	
۱۷۳،۱۷۴،۱۷۵،۵۳۰		۱۷۶،۱۷۷	شرکت بریتانیائی توسعه نفت
۲۰۱	شرکت ملی نفت مصر		شرکت بهره برداری اولیه
۴۹۵	شرکت مورپسن نودسن	۲۶۱،۲۷۴،۳۱۲	
	شرکت نفت آرامکو		شرکت تکزاس
۱۱۵،۱۲۵،۱۲۷،۱۵۹،۱۹۸،۴۰۵		۱۰۵،۱۱۰،۱۱۵،۱۸۴،۱۸۵	
۱۰۶	شرکت نفت آفتاب	۱۸۷،۲۰۰،۳۵۹	
۱۰۶	شرکت نفت استاندارد اندیانا	۱۱۵	شرکت توسعه خاورمیانه
۱۰۶	شرکت استاندارد اوهایو	۱۴۳	شرکت توسعه عثمانی و امریک
	شرکت نفت استاندارد کالیفورنی	۱۹۷	شرکت توسعه نفت قطر
۱۰۵،۱۱۰،۱۱۵،۱۶۱،۱۶۲،۱۸۴،		۱۰۷	شرکت حمل و نقل شل
۱۸۶،۱۸۷،۲۰۰،۲۵۹		۱۴۵	شرکت داریسی
	شرکت نفت استاندارد نیوجرسی	۳۵۹	شرکت ذخائر نفت
۹۶،۹۷،۱۰۳،۱۰۵،۱۱۰،۱۱۵،		۱۷۵	شرکت رافدین
۱۱۷،۱۱۸،۱۱۹،۱۲۰،۱۲۲،۱۲۳		۳۴۲	شرکت سی بورد
۱۲۷،۱۳۰،۱۳۱،۱۳۲،۱۳۴،۱۵۰		۱۰۶،۱۹۸،۶۲۲	شرکت سمیتز سرویس
۱۵۲،۱۶۱،۱۸۴،۱۸۷،۱۹۱،۱۹۹		۳۴۷	شرکت سهامی نفت کویر خوریان
۲۴۰،۳۳۳،۳۳۴،۳۳۵،۳۳۶،۴۸۵		۱۳۲	شرکت شل امریکا
	شرکت نفت استاندارد نیویورک	۱۳۲	شرکت شل کالیفورنی
۱۰۶	شرکت نفت امرادا	۱۳۴،۱۴۱	شرکت عقاب مکزیک
۳۴۲	شرکت نفت امریکا و ایران	۱۹۲،۵۰۱	شرکت غربی پاسیفیک
		۴۰	شرکت کالتکس
		۱۱۵	شرکت کالیفورنی و تکزاس

شرکت نفت ریچفیلد ۱۰۶، ۱۹۸
شرکت نفت سوکونی و اکیوم

۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۸۷

۱۹۱، ۲۰۱

شرکت نفت سینکлер ۱۰۶، ۳۳۶، ۳۳۷
۳۴۱، ۳۴۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۴۸۵

شرکت نفت شل ۴۹، ۹۶، ۱۰۵، ۱۰۶

۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۱

۱۴۶، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱

۳۱۰، ۳۵۲، ۳۵۴

شرکت نفت عراق ۱۱۵، ۱۷۶، ۱۷۷

۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶

۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴

شرکت نفت عرب و امریکا ۱۸۷
شرکت نفت عربستان سعودی

۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۳، ۲۰۸

شرکت نفت عربستان غربی ۱۹۷

شرکت نفت فرانسه ۱۱۳، ۱۴۸، ۱۹۹

شرکت نفت فیلیپین ۱۰۶

شرکت نفت کرمانشاه ۳۰۷

شرکت نفت کویت ۱۱۶، ۱۹۰، ۱۹۱

شرکت نفت کنتی ناتال ۱۰۶

شرکت نفت متحده کالیفورنی ۱۰۶

شرکت نفت موصل ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۲

شرکت نفت منه گراند ۱۱۹، ۱۲۰

شرکت نفت های شمال ایران ۳۳۱، ۳۳۲

شرکت هوتز ۲۴۸، ۲۴۹

شریف آباد ۳۶۵

شعبانی - ابراهیم ۳۴۷

شط العرب ۴۲

شفق - دکتر رضا زاده ۵۵۶

شکوه الملك ۲۸۶، ۳۰۲

شوارتز کف - کنل ۴۹۴

شوستر - مورگان ۴۹۲

شورای جامعه ملل ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۶

شوش ۲۵۰

شرکت نفت انگلیس و ایران ۱۵۰

۱۸۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳

۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹

۲۸۷، ۲۸۹، ۳۱۳، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳

۳۲۴، ۳۳۶، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۹۰

۴۰۲، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۸

۴۱۹، ۴۲۴، ۴۴۰، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۸

شرکت نفت انگلیس و مصر ۲۰۱

شرکت نفت اوهایو ۱۰۶

شرکت نفت بحرین

۱۲۵، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹

شرکت نفت بختیاری ۲۶۱، ۲۷۴

شرکت نفت بصره ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰

۱۸۲

شرکت نفت برمه ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹

۲۶۴، ۲۷۸، ۲۸۹، ۳۱۳، ۳۲۳، ۳۳۱

۴۲۴

شرکت نفت بریتانیا ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۶

۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱

۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۷۳

۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۷

۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴، ۳۳۰

شرکت نفت پالایش اطلس ۱۰۶

شرکت نفت پتروفینا ۳۴۸

شرکت نفت پنسیلوانیا ۱۶

شرکت نفت تایدواتر ۱۰۶

شرکت نفت ترکیه ۱۴۷، ۱۷۵، ۱۷۶

شرکت نفت خالص ۱۰۶

شرکت نفت خانقین ۱۷۵، ۱۷۷

شرکت نفت خلیج ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۶

۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۹

۱۹۰، ۱۹۱

شرکت نفت رویال دچ ۱۰۸، ۱۱۵

۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱

۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸

۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۲، ۲۶۳، ۳۳۰

۲۰۱،۲۰۲،۲۰۳،۲۰۴،۲۰۶،۲۰۸	شوشتر	۲۵۲،۲۵۸،۲۶۶،۳۱۸
۲۱۲،۳۵۰،۳۵۹،۴۰۵	شیخ‌الملك	۲۷۰
۱۸۲ عطشان	شیراز	۴۴۸
۲۴۷ عمادالدوله - محمدعلی میرزا	شیروان	۱۰
۱۹۸ عمان	شیز	۸
۴۷۰،۴۸۱ عموغلی - حیدرخان	شیلی	۳۵،۳۶،۱۰۶،۱۰۷
۲۹۲،۲۹۶،۳۰۰،۳۳۱ علا - حسین	شی‌یان - وینسنت	۴۶۰،۴۶۱
۳۷۴،۴۰۷،۵۶۶،۶۵۴	حرف ص	
۵۲۸،۵۹۴ علی آبادی - دکتر	صالح-الله یار	۵۲۰،۵۵۶،۵۷۰،۵۹۴
۴۲،۱۸۲ عین زاله	الصباح - شیخ احمد	۱۹۳
	صدیق السلطنه - عبدالعلی صدیقی	
۱۹۹ غزه		۲۶۸،۲۶۹،۲۷۰،۲۷۱
۴۹۲ غفاری - فرخ خان	صدیق حضرت	۲۶۸
۲۸۶ غفاری - معاون الدوله	صفانیا	۴۵،۱۸۷
۲۵۴ غفاری - مهندس المالك	صلح آباد	۲۸۰
۵۸۵ غلام محمد	صمصام السلطنه	۳۳۰
۴۴،۱۸۷ غور	صیدا	۴۵،۲۰۰
	حرف ط	
۳۳۸ فال	طرابلس	۴۲،۴۳،۱۷۸،۱۷۹،۲۰۰
۴۳۹ فاطمی - مصباح	طومسون	۲۴۷
۴۳،۱۸۲ فاو	طهماسبیان - خلیل	۴۰۷
۴۲،۱۷۴ فرات	حرف ظ	
۱۹۷ فراسان - جزایر	ظل السلطان	۳۴۴
۵۲۱ فرامرزی - عبدالرحمن	الظهران	۱۸۶،۱۸۸
۱۵،۵۲،۵۵،۶۱،۷۳،۸۱،۱۰۱ فرانسه	ظهران - جبل	۴۳
۱۳۱،۱۴۸،۱۴۹،۱۶۹،۱۷۸	حرف ع	
۲۲۶،۲۴۱،۲۴۲،۳۱۵	عدن	۷۴،۷۶،۱۹۷،۶۰۵،۶۴۱
۳۴۸،۴۵۹ فتوحی قیام - مرتضی	عراق	۵،۴۲،۴۳،۶۰،۷۶،۱۱۸،۱۴۴
۳۴۵،۳۴۶،۳۴۷		۱۴۸،۱۵۱،۱۵۹،۱۶۷،۱۶۸،۱۶۹
۸ فردوسی		۱۷۱،۱۷۳،۱۷۴،۱۷۵،۱۷۶،۱۷۸
۱۱۰۰ فرغانه		۱۷۹،۱۸۰،۱۸۳،۱۹۷،۱۹۹،۲۰۲
۴۰ فرمز		۲۰۳،۲۰۴،۲۰۵،۲۰۶،۲۰۹،۲۱۲
		۲۵۵،۲۸۰،۳۱۵،۳۱۶
	فرهستان سعودی	۴۳،۴۵،۶۰،۷۸،۷۹
		۱۱۵،۱۲۱،۱۲۵،۱۲۷،۱۴۴،۱۵۹
۳۰۰،۳۰۱،۳۰۲،۴۶۷		۱۶۰،۱۶۶،۱۶۷،۱۶۸،۱۶۹،۱۷۱
۲۴۷ فروهر - ابوالقاسم		۱۷۸،۱۸۵،۱۸۸،۱۸۹،۱۹۳،۱۹۸

٤٦،٦٠،١١٥،١٦٠،١٦٧	قطر	٢٤٧	فروهر - غلامحسین
١٦٨،١٩٥،١٩٦،١٩٨		٢٧٧	فرید السلطنہ
٢٠٤،٢٠٩،٣٠٦،٥٣٠			فریزر - ویلیام
٤٤،١٨٧،٢٠٢	قطیف	٣٠٠،٣٠١،٣١٣،٣٩٠	
٩،١٢٢،١٤٥،١٥٢	قققاز	٣٩١،٣٩٢،٣٩٣،٤٣١،٤٥٣	
٣٣١،٣٤٢		٤٤	فضیلی - معدن
٤٢،٣٠٨	قم	٦٢٩	فلامنگو
٣٧٢،٣٧٣،٣٧٤،٣٧٥	قوام - احمد		فلسطين (اسرائیل)
٣٧٨،٣٧٩،٣٨١،٣٨٢		٦٠١،٤٤٠،١٥٠،١٦٩	
٣٨٦،٦٠٥،٦٠٩		٣١٩،٣٣٥،٤٣٥	
٢٤٧	قوام الدوله - محمد	٣٥٢	فناند
٣٥٦	قوجان	٤٣٧	فوت - مایکل
٣٤٤،٣٤٥	قهرمان - سردار اعظم	٥٠٢	فولتن
	حرف ك	٣٤٣	فہروج
٢٩٨	کاراخان	٤٠٧	فہیمی - خلیل
١٣٥	کارانزا		فیروز - نصرت الدوله
١٣٨	کارناس	٢٧٥،٢٧٦،٢٧٧،٢٨١،٢٩٩	
٤٦٠	کارنک - لرد	٥٦،٥٧	فیشر - تروپش
٤٢	کارون		فیشر - دریاسالار لرد
٢٧،٣٣،٣٥	کاریبین - دریای	٢٤،٢٥،٢٥٦،٢٦٢	
٣٤	کازابہ	٢٨٤،٢٨٧	فیض - میرزا عیسیٰ خان
	کاشانی - سید ابوالقاسم		حرف ق
٦٤٩،٦٥١،٦٥٦،٦٦٢		٢٩٩	قاجاریہ
٣٤٣	کاشیت	٣٤٧	قاضی زادہ
٥٥٥	کاظمی - باقر	٢٠١	قبرس
	کافتارادزہ	٢٤٩	قراچہ داغ
٣٥٥،٣٥٦،٣٥٧،٦٠٤،٦٥٠		٤٧	قرداغہ - معدن
١٩٣	کاکس - سرپرسی	٣٠٨	قرہ سو - رودخانہ
٢٢٦	کاک کرافت - سرجان	٣٠٨	قزوین
١٣٦،١٣٧	کالس	٥٢١	قشقائی
٢٨	کالیفرنیا	٢٤٩،٢٨٠	قشم - جزیرہ
٣٨	کالی مانٹان	٤٢،١٧٣،٢٥٥،٢٦٩	قصر شیرین
٧٧	کامبیز	٢٧٠،٢٧١،٣٠٧	
٥٢	کامرون		
٢٤١	کامینی		

۴۰۵	کمپ - نرمان	۱۴،۳۱،۳۲،۵۶،۵۷،۷۳	کانادا
۱۴،۲۸	کنتوکی	۹۷،۱۲۱،۱۶۱،۱۶۴،۲۲۶	
۲۳۵	کنکوی - بلژیک	۲۲۷،۲۳۳،۲۳۵،۲۵۷	
۵۰	کوئی بیشف	۷۴	کاناری - جزیره
۴۶۳	کوئی نن - ژنرال	۱۵،۷۸،۷۹،۱۱۸	کانال سوئز
۳۷،۶۰	کوبا	۲۸،۳۳۷	کانساس
۲۶۰،۲۸۱	کوت عبدالله	۴۰	کانسو - استان
۱۱	کودینوس	۴۶۴	کاونتری
۱۳۴،۱۴۳	کودری - لرد	۲۵۰،۲۵۱،۲۵۲،۲۵۳	کتابچی خان
۲۵۳،۲۵۴،۳۹۴،۳۹۹	کورتیس	۲۶۸،۲۶۹،۲۷۰،۲۷۱	
۵۷	کولورادو	۴۳۸	کسبرت
	کولومبیا	۳۲۶	کجور
۳۴،۳۶،۵۹،۷۴،۹۲،۱۴۳		۱۵۰،۲۶۳،۲۷۹،۲۸۴	کسمن - لرد
۳۵	کومودورو	۲۸۵،۲۸۶،۲۸۷،۲۸۸	
۴۸۱	کون - بلا	۲۸۹،۲۹۰،۲۹۷،۳۰۰	
۲۸۰	کوندک	۳۰۱،۳۱۳،۳۳۴،۳۳۵	
۳۶۹	کونولی - ژنرال	۳۴۲،۴۲۷،۴۲۸	
۴۶۶،۰،۱۱۶،۱۱۷،۱۱۸،۱۲۱	کویت	۳۷۳	کرج
۱۶۰،۱۶۷،۱۶۸،۱۶۹،۱۷۱		۳۴۳	کرد محله
۱۷۵،۱۸۳،۱۸۹،۱۹۰،۱۹۲			کرزن - لرد
۱۹۳،۲۰۱،۲۰۲،۲۰۴،۲۰۹		۱۳۲،۱۴۹،۲۴۵،۴۶۰،۴۶۱	
۳۶۱،۴۲۳		۸،۴۲،۴۳،۱۷۶،۱۷۷،۱۷۸	کرکوک
۴۸۸	کیپلینگ	۱۷۹،۱۸۲،۲۰۰،۲۰۲،۲۰۹	
۱۸	کی-یر - ساموئل	۲۳۵،۲۴۹،۲۹۱	کرمان
	حرف گ	۴۲،۱۷۳،۳۰۷،۳۰۸	کرمانشاه
۶۴۶	گارافا - دکتر	۳۷۸	کره
۵۸۵،۵۸۶،۵۸۹	گارنر - رابرت	۴۸۵	کریاژین - گورکو
۴۹	گالیسی	۱۴	کریستف کلمب
۱۲	گالیسیا	۱۸۵	کرین - س. ر.
۲۸۰	گچ خلیج	۱۴۲،۳۳۶	کستاریکا
	گچساران	۱۰۷	کسلر
۴۱،۲۰۲،۲۹۰،۳۱۰،۳۱۷،۳۲۱		۳۰۰	کلاب
۳۴۵	گرجستان	۳۲۶	کلارستاق
۴۸	گرزن	۲۹۹	کلاتر شیرازی - ابراهیم
۳۴۷	گر گلنادر	۱۳۲،۱۳۳	کلما نسو

٨١٩١٠٧٤١٠٨٤١٢٤٤١٤٥٤١٤٦	لندن	٣٧٣	گرمسار
٢٥١٠٢٥٨٠٢٧٠٠٢٧٥٠٢٨٥		٤٩	گروزی
٢٨٨٠٢٩٠٠٢٩٧٠٢٩٨٠٣٠١		٢٦٧	گری - سرادوار
٣١٢٠٣٣٤٠٣٣٩٠٣٤٢		٤٦٠	گری - لرد
٣٤٣٠٣٤٥٠٣٦٨٠٣٨٦٠٣٨٧		٤٠٤٠٤٩٩٠٥٠٣٠٥٠٥	گریدی
٣٥٢	لنین	٥٠٦٠٥٦٤٠٥٨٢	
٣٤١	لنینگراد		گریوی - سرچالز
٢٤١	لوئی - چهاردهم	٢٥٩٠٢٧٧٠٢٧٨٠٢٨٠	
٢٨	لوئی زیانا	٣٣١٠٣٣٣	
٤٦٠	لورن - سرپرسی	٣٨٦٠٣٩٠٠٣٩٢٠٣٩٣	گس - ن . ا .
٤٧٦٠٤٧٧	لوروزتل - سرجان	٣٩٥٠٣٩٨	
٢٩٠	لوزان	٢٥٧	گلاسگو
١١٣	لوس انجلس	١٤٥٠١٤٦٠١٤٧٠١٤٨	گلبنکیان
١٤١	لوهاور	١٥١٠١٧٨٠٣٩٩	
١٢٠٦١٠١٣٠٠٣٥١	لهستان	٣٨٨٠٣٨٩٠٣٩٠٠٣٩١	گلشائیان
٤٣٨	لی - فردریک	٣٩٢٠٣٩٥٠٤٠٢٠٤٠٣	
٢٣٠	لیبی - دکتر	٦٤٦	گوت - کامیل
٨١٠٨٢	لیبری	٢٠٣	کیسن
	حرف م	٣٢٨٠٣٣٣٠٣٣٦٠٣٣٨	کیلان
١٣٤٠١٣٥	مادرو	٣٨٠٣٩٠٦٠	کینه جدید
٣٣	مارا کیبو	٢٩٧	کیوم دوم
١٠	مارکوپولو		حرف ل
١٣٧	مارو		لابریا پارنیاس
٥٢٤٠٥٥٣	ماریسون - هربرت	٣٦	لاک
٣٢٨٠٣٣٣٠٣٣٨	مازندران	٥٢	لالی
٢٥٨	مال امیر	٤٢٠٢٩٠٠٣٠٨٠٣٢٠	لاووازیه
٤٤٣	مالفت	٢٤٢	لاهوئی - ابوالقاسم
٢٥٧٠٢٥٨٠٢٧١٠٢٨٠	ماماتین	٤٨٣	لاسه
٤٦٣	مایسکی	١٠٧	لاهیجان
٦٥٧	متیسون	٣٥٣	لبنان
٦١	مجارستان	٤٥٠٧٨٠١٤٤٠١٤٨٠١٦٨	
٣٢٧	مجدالدولة	٢٠٠٠٢٠١٠٢٠٦	لدوک
٣٢٦	مجال ثلاثة	٣٢	للوید - مستر
٢٧١	محمدتقی - سید	٢٧٦٠٤٢٤	لگت - سرفردریک
١١	محمدشاه	٤٣٨	
٣٧١	محمدرضاشاه		

٥٣	مکلین	٥١٦	محمد علی شاه
٧٦،٣٠٠	مکلین تاک - ویلیام	٣٣٩	مدرس - سید حسن
٣٥	مک نر - سرارنلد	٤٢،٤٣،٤٥	مدیترانه
١٧،٥٢١،٥٢٢،٦٥٠	مکی - حسین	٨	مراغه
٦	ملاتانی	٦١،١٤٨	مراکش
٠٨	ملایر	٢٤٢	مرکز ملی تحقیقات علمی
٣،٢١٠	منامه	٤٥٨	مرو
٦٦	منچستر	٣٧١،٥٨٢،٦٠٥	مری - والاس
٢٨	منشورالملک	٧،٤١،٤٢،٦٣،٢٠٢	مسجد سلیمان
٠٤	منصور - علی	٢٠٣،٢٥٨،٢٥٩،٢٦٠	
٦٧	منطقه بیطرف	٢٦٧،٢٧٢،٢٧٣،٢٨٠	
٠٣	مؤسسه نفت انگلیس	٢٨٢،٢٨٦،٢٩٠،٣٠٨	
٣٥	مؤسسه نفت امریکا	٣١٠،٣١١،٣١٨،٣٢٠	
٢	مودنا	٣٢١،٤٢٣،٤٢٦	
٣٧،٢٥٠،٢٥١،٢٥٨	مورگان	١٠	مسعودی - ابوالحسن
٢٩	موریشس	١٩٨	مسطط
١٢،٤٨٩	موسولینی	٢٩٧،٢٩٨،٣٣٧،٣٥٢	مسکو
	موسی	٣٥٥،٣٦٤،٣٧٥	
٤٢	موشه	٢٥٤	مشیرالدوله - نصرالله
١١،١٤٤،١٧٥،٥٣٠	موصل	٣٤٦	مشهدی رضای قزوینی
٠،٣٥١،٣٥٢،٣٦٤	مولوتوف	٢٠،٤٧،٤٨،٦٠،٧٤	مصر
٦٥،٣٧٢،٣٧٣		٧٧،١٢١،١٦٥،١٦٧،١٦٨	
٤٢	مون لوئی	١٦٩،٢٠١،٣١٠	
٥١	مونت مورگان	٢٤٩،٢٥٢	مظفرالدین شاه
٤٢	مونرو - اصل	٢٤٧	معمدالملک - یحیی
٢	میانودی مدیسانو	٤٩٢	معمدالوزراه - حسینقلی
٥٨	میدان نفتون	٦٥٦،٦٦٢	معظمی - دکتر
٥٥،٦١١	میدلتون - جورج	٢٦٩،٢٧٢	معینالتجار
٤٦	میرزا حسین خان - سپهسالار		مک گی - جورج
٤٧	میرزا سعیدخان	٥٠٤،٥٠٥،٥٠٧،٥٧٢،٥٨١	
٧١	میرزا طاهر	١٨٢	مکحول - جبل
٨٤	میرزا کوچک خان	٢٦٦	مکدونالد - رمزی
٧٠	میرزا محسن	٣٠،٣١،٦٠،٧٣،١١٣،١٢٥	مکزیک
٩	میری	١٣٠،١٣١،١٣٢،١٣٣،١٣٤	
٤١	میربالا کشتی	١٣٦،١٣٧،١٣٨،١٤٠،١٤١	
		١٤٩،١٥٧،١٦٤	

۲۷۵،۲۷۷،۳۲۸،۳۳۰	وثوق الدولہ	۴۹۳،۴۹۴	میلسمو - دکتر
۳۳۴،۴۵۹،۴۹۳		۴۹	میکاپ
۱۳۵	ورا کروز		حرف ن
۲۸	وستورجینیا	۲۶۲	ناہل
۴۷،۱۹۴	وفرہ	۱۶۹	ناہلٹون
۱۰۳،۱۰۴	ولز - اچ . جی	۱۱	نادرشاہ
۲۴۸،۲۵، ۲۵۲	ولف - سردرموند		ناصرالدین شاہ
۳۳،۳۴،۳۵،۴۹،۵۷	ونزوٹلا	۲۴۶،۲۴۷،۲۴۸،۳۲۶	
۵۹،۷۳،۸۶،۹۷،۱۱۳		۳۲۷،۳۳۴	
۱۱۹،۱۲۰،۱۲۱،۱۲۷،۱۴۳		۲۴۷	ناصرالملک - قراگوزلو
۱۴۴،۱۵۵،۱۵۶،۱۵۸،۱۵۹		۲۱۸	ناگا اوکا
۱۶۲،۱۶۶،۱۶۹،۳۹۰،۳۹۴،۴۴۲،۴۵۰		۲۲۷	ناگاساکی
۳۲	ونکوور	۱۸۵	نجد
۳۱۸	ویس	۶۳۶	نجیب - ژنرال
۴۸۵	ویسانوف	۸۲،۳۵۱	نروژ
	ویلسون - سر آرٹلڈ	۵۱۸	نریمان - محمود
۲۵۷،۲۵۸،۴۲۵		۲۴۷	نظام الدولہ - دوستعلی
۱۳۵	ویلسون - وودرو	۴۲،۱۵۱،۱۷۴،۱۷۵،۳۰۷	نفت خانہ
۲۲	وین	۵۰	نفت داغ
۳۱۵،۴۶۶	ویول - ژنرال	۴۱،۲۰۲،۲۹۰،۳۰۸،۳۲۰	نفت سفید
	حرف ہ	۴۲،۱۷۳،۱۷۴،۲۰۲،۳۰۸	نفت شاہ
۲۱۹	ہاتف	۱۳۱،۱۵۱	نوبل
۳۲۷	ہاردینگ - پرزیدانت	۵	نوح
۲۵۲،۲۵۳	ہاردینگ - سر آرتور	۲۵۱	نیوتون ابوت
۵۸۹	ہانگی	۲۲۷	نیومکزیکو
۳۴۷	ہانیبال	۲۸،۱۲۴،۱۴۶،۳۳۹،۳۷۴	نیویورک
۷	ہخامنشیان		حرف و
۴۲۷	ہد - سر تیب	۲۱	وات - جیمز
۲۹۷	ہدایت - مہدیقلی	۳۳۱	واتسن - رابرت
۶	ہرا کلیوس	۴۸	وادی الفیران
۶	ہرتزفلڈ - پروفیسور	۵۵۶	وارستہ - محمدعلی
۶،۸، ۱	ہرودوت	۵۷۴	وارن
۴۴۳	ہربس	۴۲۵	والپول
	ہریمن - اورل	۳۳۸	والش
۵۴۱،۵۴۹،۵۵۰،۵۵۵		۳۶	وانادیوم
۵۶۰،۵۶۱،۵۶۲،۵۶۵		۴۹۸	واہلی - جان
۵۶۶،۵۸۱			

۱۸۳،۱۸۴،۱۸۵،۱۹۵	فرانک - هومز	۳۸۷،۳۸۸،۴۰۳	هزیر - عبدالحسین
۳۵۳،۳۵۴	هوور - هربرت		
۱۵۷	هیت - هرولد		هفتکل
	هیتر	۴۱،۲۰۲،۲۸۱،۲۹۰،۳۰۸	
۳۱۵،۳۵۱، ۷۳، ۴۶۲، ۴۸۹		۳۱۰،۳۱۱،۳۲۰	
۲۲۷	هیروشیما	۳۸،۵۲،۵۵،۶۱،۸۲،۱۰۱	هلاند
۵۹۳	هیلد - سرلا یونل	۱۰۷، ۴۹، ۱۵۵، ۳۵۱	
۶۳۶	هیگینز - مارگریٹ	۳۰۸	همدان
	حرف ی	۶۱۱، ۶۴۰، ۶۷۱، ۶۷۲	هندرسن - لوی
۸	یاجوج و ماجوج	۶۵۵، ۶۵۸، ۶۶۳	
۱۹۹	یافه	۵۵	هند شرقی
۷، ۱۰	یاقوت - حموی	۳۷۹	هند و چین
۳۶۲	یالتا		هندوستان
۲۸۶	یزدان پناه - سپهبد	۳۷، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۴، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۶۵	
۱۹۷	یمین	۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۵۸	
۱۵، ۲۶، ۳۰، ۱، ۴۲۶	ینگ - دکتر	۲۵۹، ۲۶۶، ۲۷۹، ۲۸۴، ۳۱۵، ۴۲۴	
۱۳، ۱۸، ۵۷	ینگ - جیمز	۴۳۵، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۸	
۶۱	یوگواسلاوی	۱۳۴، ۱۳۵	هوئرنا
۶، ۲۰، ۳۱۹	یونان	۱۳۶	هوئرنا - دولا
۱۴۳	ییتز - سرهنگ	۱۶۶	هوستن
۱۶	ییل - دانشگاه	۲۴۰	هولمن - یوجین

پایان